هفته نامه سیاسی ،
فرهنگی ،اقتصادی
ورزشی

# نسیم جنوب

شماره بیست و نهم    یکشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۷۷

هشت صفحه ۵۰ تومان


سلامی و کلامی...

## یک پیشنهاد به داوطلبین انتخابات شوراهای اسلامی

صفحه ۲



بوشهر - عکس از محمد سیدزاده

## چند ابهام درباره برپائی نمایشگاه بوشهر در قطر

## همگام با انقلاب در بوشهر

«خاطرات علیرضا مظفری‌زاده از مبارزات و فعالیتهای سیاسی - مذهبی قبل از انقلاب در بوشهر»

صفحه ۶

نشست صاحب نظران در نسیم جنوب

## بررسی انتقاد ناپذیری مسئولین در استان بوشهر

شاهین می‌توانست بهتر باشد اگر...

## وداع شاهین از لیگ دسته دوم کشور

صفحه ۷

ضرورت بازنگری در مدیریت‌های سیاسی استان بوشهر

انبار عجیب و غریب ادارهٔ بندر و کشتیرانی بوشهر

مهندس عبدالعلی بازرگان در مصاحبه با نسیم جنوب:

## مهندس بازرگان بخش عمده‌ای از زندگی خود را روی محور «آزادی» برای ایجاد امنیت و آبادی و مبارزه با استضعاف سرمایه‌گذاری کرد.

صفحه ۳









دانش آموز ممتاز مهدی توکلی ریشهری کلاس اول

از دبستان غیرانتفاعی فرهنگ

با تشکر از سرکار خانم عصمت سرشار



دوست و همنورد عزیز جناب آقای حسین زارع
درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوئیم. «گروه کوهنوردی آرش بوشهر»

## یازدهم بهمن، روز برنامه‌ریزی بر همه تلاشگران توسعه استان بوشهر تهنیت باد

«سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر»

## سلامی و کلامی....

یونس قیصی‌زاده

# یک پیشنهاد به داوطلبین انتخابات شوراهای اسلامی

با اعلام اسامی داوطلبین انتخابات شهر و روستا از سوی هیئت‌های اجرائی، کار انتخابات شوراها وارد مرحله‌ای تازه شد. گرچه متاسفانه خبرهای اولیه حاکی از این است که هیئت نظارت شهر تهران در یک اقدام جناحی و ابهام آمیز صلاحیت بسیاری از افراد شاخص و فعال سیاسی را رد نموده است، که در صورت تائید این خبر و بیرون گذاشتن این فعالین سیاسی از صحنه انتخابات، ضربه‌ای حساب شده به انتخابات شوراها در سراسر کشور وارد می‌آید. ولی چنانچه تاکنون مشخص است، در استان بوشهر در بررسی صلاحیت داوطلبین، جناحی عمل نشده و در این مورد گزارشی نرسیده است که جا دارد از این بابت از هیئت‌های اجرائی و نظارت تشکر گردد.

با قطعی شدن اسامی داوطلبین شوراها، از هم اکنون تبلیغات غیر رسمی افراد شروع شده است. اما بر اساس قانون انتخابات، مدت تبلیغات رسمی داوطلبین ۸ روز قبل از انتخابات شروع شده و تا ۲۴ ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت. در رابطه با تبلیغات داوطلبین و چگونگی آشنائی مردم با آنان ذکر چند نکته ضروری است:

بر اساس ماده ۷۵ آئین نامه اجرائی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک، رأی دهندگان باید اسم نامزد یا نامزدهای مورد نظر خود را حداکثر به تعداد اعضای اصلی شورا بر روی برگ رأی بنویسند.

بر این اساس مشخص است که باید به تعداد اعضای اصلی شورا افراد داوطلب انتخاب گردند. از آنجا که برای اولین بار تعداد زیادی از داوطلبین در این انتخابات شرکت می‌نمایند و این امر در سراسر ایران و خصوصاً در استان بوشهر بی‌سابقه است، بنابراین، باید منتظر وضعیتی متفاوت از قبل، در این انتخابات بود.

از جمله خصایص انتخابات شوراها، تعداد زیاد داوطلب و همچنین تعداد نسبتاً زیاد انتخاب شوندگان است.

از آنجا که مردم در انتخابات کنونی شوراها در استان بوشهر، باید با آشنائی با داوطلبان در مدت یک هفته، از بین تعداد زیادی از داوطلبین، تعداد محدودی را انتخاب نمایند و از آنجا که در بین داوطلبین، افراد شناخته نشده و جدید وجود دارد، در نتیجه در مدت زمان تبلیغات یک هفته‌ای، فرصت کافی برای شناخت شخصیت و برنامه‌های داوطلبانه فراهم نخواهد آمد.

از آنجا که شوراها بصورت گروهی بوده و در نتیجه تصمیمات و برنامه‌های فردی در آن چندان مورد نظر قرار نمی‌گیرد، بنابراین می‌توان پیشنهاد نمود که از هم اکنون برای جلوگیری از تشکیل شوراها ناهمخوان و غیرکارآمد، داوطلبینی که دارای مشترکات فکری وبرنامه‌های هم‌آهنگی در خصوص شوراها هستند، در یک اقدام مشترک در گروههای همفکر تجمع نموده و در هنگام انتخابات شوراهای اسلامی اقدام به انتشار لیست مشترکی به تعداد اعضای اصلی شوراها بنمایند. ذکراین نکته ضروری است که حتماً نیازی نیست که این لیست از طرف گروههای سیاسی و یا مجامع جناحی منتشر شود بلکه خود داوطلبین می‌توانند بعنوان یک گروه مستقل، در قالب این لیست مشترک، در انتخابات شوراها وارد شده و به فعالیت تبلیغاتی بپردازند. این امر فواید چندانی را به همراه دارد.

از طرفی در هنگام تبلیغات انتخابات شوراها، مردم راحت‌تر می‌توانند نسبت به داوطلبین شناخت پیدا کرده و از برنامه‌های گروهی آنان آگاهی پیدا نمایند، بعنوان مثال در شهر بوشهر به جای اینکه نسبت به شناخت حدود ۱۷۰ نفر داوطلب، شناخت حاصل نمایند، می‌توانند با ۲۴ لیست ۷ نفره آشنا شوند.

از سوئی بدینوسیله در هزینه‌های تبلیغاتی نیز صرفه‌جوئی بسیاری شده و بازدهی بیشتری نیز حاصل می‌شود.

این امر می‌تواند به تشکیل شوراهای کارآمد و هم‌آهنگ نیز کمک نماید، چراکه احتمال انتخاب شدن افراد یک لیست به مراتب زیادتر است و از اینرو شوراها از افراد هم فکر و با برنامه‌های مشترک تشکیل می‌شود.

**تصحیح:** در هفته گذشته در صفحه ۲ هفته نامه، نامه حجةالاسلام سید محمد نبوی به ریاست جمهوری درباره وقایع اخیر به چاپ رسید که تیتر این نامه به اشتباه درج شده بود، ضمن پوزش، بدینوسیله تیتر آن نامه اصلاح می‌شود.

# ۳۹۵۳ نفر داوطلب انتخاب شوراها در بوشهر

۳۹۵۳ نفر از داوطلبین شوراهای اسلامی شهر و روستا در استان بوشهر از طرف هیئتهای اجرائی تأیید شدند.

رئیس ستاد انتخابات استان بوشهر ضمن بیان این مطلب افزود: این تعداد از میان ۴۴۴۶ نفر از کل داوطلبین بوده‌اند.

بنا به گفته اردشیر محمدی در مجموع ۹۰ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا مورد تأیید هیئتهای اجرائی قرار گرفته‌اند.

وی همچنین افزود که ۳۰ نفر از ثبت‌نام‌کنندگان نیز انصراف خود را از کاندیداتوری اعلام نموده بودند.

## پنجمین جلسه بوشهریهای مقیم مرکز

در روز ۵ بهمن ماه، پنجمین جلسه بوشهریهای مقیم مرکز در تهران برگزار شد.

در این جلسه که با حضور حدود ۶۰ نفر از بوشهریهای ساکن تهران برپا شده بود، نخست، دکتر حمیدی رئیس هیئت مدیره بوشهریهای مقیم مرکز ضمن خوش آمدگوئی به حضار، درباره اقدامات انجام شده درخصوص رسمی کردن این گروه سخنرانی نمود. به گفته وی اساسنامه این گروه به وزارت کشور ارسال شده است و هیئت مؤسس و هیئت مدیره نیز به وزارت کشور معرفی شده‌اند.

بعد از آن دکتر باقر چوبک به سخنرانی پرداخت و درباره علل عقب‌ماندگی بوشهر سخنرانی نمود.

دستور جلسه آینده این جلسه درباره تعیین کمیته‌های فرعی فنی مهندسی ـ فرهنگی، هنری، ورزشی و ... است.

## درخواست جمعی از جوانان بوشهر در استقبال از رئیس جمهوری

**برادر ارجمند جناب آقای انصاری‌لاری**

**استاندار محترم بوشهر با سلام ودعای خیر**

**با آرزوی قبولی طاعات و عبادات جنابعالی احتراماً به استحضار می‌رساند همانگونه که مستحضر هستید ریاست محترم جمهور در آینده نزدیک وارد استان دلاورخیز و شهیدپرور بوشهر میشوند. سرزمینی که دیار رئیسعلی دلواری، خالو حسین دشتی و دیگر قهرمانانی است که سالیان سال درخشیدند و خون گرم خود را نثار انقلاب و آزادی کردند، لذا ما جمعی از جوانان که عاشق نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشیم بار دیگر میخواهیم حماسه دوم خرداد ۷۶ را تداعی نمائیم. لذا خواهشمند است ضمن موافقت با تشکیل کمیته استقبال جوانان بومی دستور فرمائید همکاری لازم معمول گردد.**

**«جمعی از جوانان بوشهر»**

## سخنرانی مدیرکل آموزش وپرورش در اجتماع مردم تنگستان

در تاریخ پنجشنبه ۷۷/۱۱/۸ به دعوت جمعی از فرهنگیان تنگستان و باحضور حاج‌سعید زرین‌فر مدیر کل آموزش و پرورش استان بوشهر، جلسهٔ سخنرانی و پرسش و پاسخی در مسجد الغدیر بندر بوالخیر پیرامون مسائل روز جامعه و از جمله انتخابات شوراها برگزار شد. زرین‌فر با تأکید بر اهمیت انتخابات شوراها و اشاره به نقش اساسی فرهنگیان در این زمینه تشکیل شوراها را از اصول مهم و مؤثر قانون اساسی دانست.

مدیر کل آموزش و پرورش در پاسخ به سؤال یکی از حضار گفت که دولت آقای خاتمی بارها مورد تأیید و حمایت رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است، از جمله در جلسهٔ اخیر مسئولین نظام با ایشان مقام معظم رهبری با عالیترین صفات ریاست جمهوری را تأیید نمودند.

در این جلسه که با حضور روحانیون، فرهنگیان و سایر اقشار مختلف مردم برگزار شد، فرماندار تنگستان، بخشدار بندرریگ، بخشدار مرکزی تنگستان، رؤسای آموزش و پرورش مناطق دشتی، اهرم و دلوار جمعی از فرهنگیان خورموج، اهرم و دلوار نیز حضور داشتند.

عبدالرحیم کارگر یکی از برگزارکنندگان، درباره این جلسه گفت: «یکی از اهداف برگزاری این جلسات تقویت روحیه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان و فرهنگیان است.» گفتنی است که هفتهٔ گذشته نیز جلسهٔ مشابهی با حضور سیدعبدالله رضوی مدیرکل تعاون استان در بندر عامری برگزار شده بود.

## کشف ۵۳ کیلوگرم مواد مخدر

با تلاش و کوشش مامورین مبارزه با مواد مخدر ناحیه انتظامی بوشهر، این مأمورین موفق شدند در نیمه دوم دی ماه سالجاری مقدار ۵۳ کیلوگرم مواد مخدر کشف و ضبط نمایند.

مصاحبه با مهندس صفوی مدیر عامل شرکت عمران و توسعه بوشهر درباره

# فعالیت های انجام شده در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر

منطقه ویژه اقتصادی بوشهر با برخورداری از تجهیزات و امکانات بسیار مناسب آماده ارائه خدمات به بازرگانان و سرمایه گذاران در بخش صنعت با واگذاری زمین و ... در منطقه ویژه اقتصادی برای پردازش کالا با استفاده از مزایای قانونی مناطق ویژه اقتصادی است.

مهندس صفوی مدیر عامل شرکت عمران و توسعه بوشهر با اعلام این مطلب اظهار داشت: در همین راستا جهت سرمایه گذاری در منطقه ویژه اقتصادی با توجه به آمادگی سرمایه گذاران متعددی که متقاضی خرید اراضی صنعتی و انبار در منطقه ویژه هستند بحث و مذاکره شده است و در مواردی به توافقهای نهایی رسیده‌ایم که در این خصوص گروهی از کشورهای کویت و قطر پیگیریهای قابل توجهی نسبت به سرمایه گذاری بعمل آورده‌اند که انشاءالله به مرحله عمل خواهد رسید. که در این مورد می‌توان به قرارداد انعقاد واگذاری اولین قطعه زمین جهت تولید انواع پمپهای آب با متقاضی در منطقه اشاره کرد.

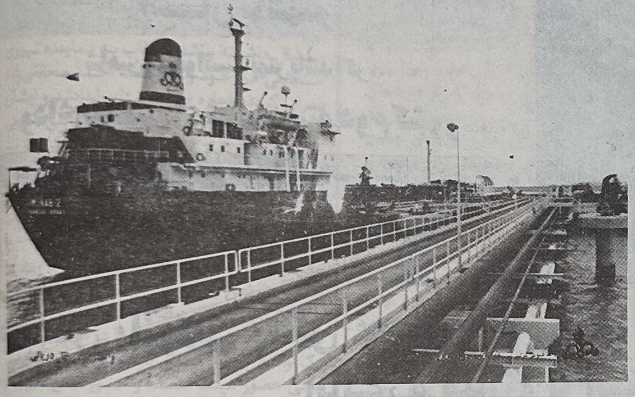
مدیر عامل شرکت عمران و توسعه بوشهر به یکی از ویژگیهای خاص منطقه اقتصادی بوشهر اشاره کرد و گفت: منطقه ویژه اقتصادی بوشهر دومین منطقه ویژه اقتصادی کشور است که از امتیاز صدور گواهی مبدأ برخوردار می‌باشد که نقش مؤثری در رابطه با روند کاری بازرگانان و صاحبان صنایع ایفاء خواهدکرد و آنان را از یکسری قوانین دست و پاگیر برحذر می‌دارد.

مهندس صفوی به فعالیتهای اجرایی در منطقه اشاره کرد و در مورد آماده‌سازی آن گفت: آماده‌سازی اراضی و ساخت ساختمانها و ابنیه‌هایی که برای استقرار گمرک مورد نیاز است توسط پیمانکار شروع شده است که در حال حاضر فعالیتهای آماده‌سازی در حد زیرساختی و قلوه‌ریزی ورودی اصلی مجموعه و دیگر نقاط دسترسی انجام گردیده است.

مدیر عامل شرکت عمران و توسعه به امکانات زیربنائی و امتیازات خاص منطقه ویژه اقتصادی بوشهر اشاره کرد و گفت: بوشهر از امکانات فرودگاه بین‌المللی با داشتن پرواز روزانه به شهرهای داخلی کشور و کشورهای حوزه خلیج‌فارس برخوردار است. همچنین ارتباط بازرگانی کشورهای مذکور از امکانات بندری جهت تخلیه بارگیری در محوطه و اسکله‌های بندر بهره‌مند است. ایشان افزود: یکی دیگر از این امکانات زیربنائی می‌توان وجود خطوط کشتیرانی به کشورهای حوزه خلیج‌فارس از جمله قطر و کویت در زمینهٔ حمل بار مسافر دانست و بهره‌مندی از امکانات مناسب کشاورزی در زمینه نخیلات و استقرار صنایع کشتی‌سازی و ساحلی در منطقه را از دیگر امتیازات قلمداد کرد.

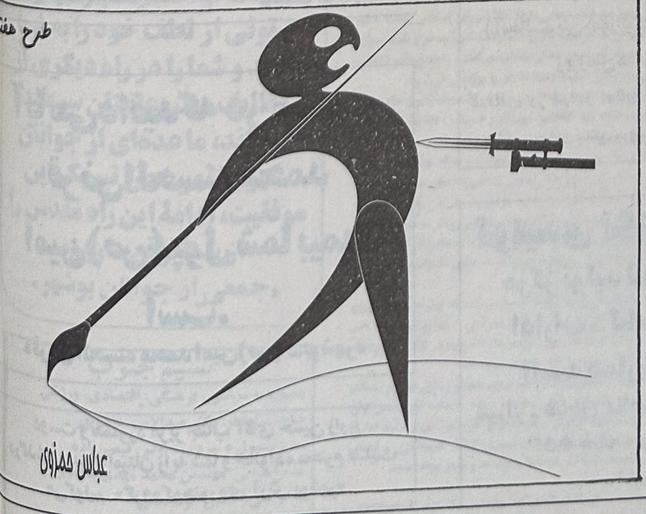
آقای مهندس صفوی با خاطرنشان ساختن این نکته احداث واحدهای صنعتی از معافیتهای گمرکی ... واردات و صادرات قطعات و مواد اولیه و کالاهای ... شده برخوردار هستند گفت: در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر پرداخت سود بازرگانی برای کلیه کالاهایی ... برای تولید یا ارائه خدمات مورد نیاز منطقه از خارج ... منطقه وارد می‌شوند، معاف هستند.

ایشان به اهداف مهم تأسیس مناطق ویژه اقتصادی اشاره کرد و گفت: توسعه صادرات و حضور فعال ... بازارهای منطقه‌ای بین‌المللی، جذب سرمایه و ایجاد واحدهای تولیدی، انتقال فن‌آوری نوین به کشور، ...



فن‌آوری، تسریع در انجام امور زیربنایی و رشد و توسعه اقتصادی منطقه، ایجاد اشتغال و افزایش تخصص نیروی انسانی، تنظیم بازار کار و کالا و ارائه خدمات عمومی، جذب منابع مالی و اداری، دستیابی سریع به کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی و تقویت شبکه‌های حمل و نقل دریایی و هوایی و زمینی از اهداف مهم تأسیس مناطق ویژه اقتصادی است.

مدیرعامل شرکت توسعه و عمران در مورد مختصات منطقه ویژه اقتصادی بوشهر اظهار داشت: منطقه ویژه اقتصادی بوشهر با مسئولیت این شرکت در سه منطقه با وسعت تقریبی ۱۵۴ هکتار و ۱۸۸۰ هکتار در ... کیلومتری بوشهر در حدفاصل جاده بوشهر به شیراز ... دیگری در ۲ هکتار در زمین مربوط به نمایشگاه دائمی ... مرکز تجارت ایران و قطر قرار دارد.

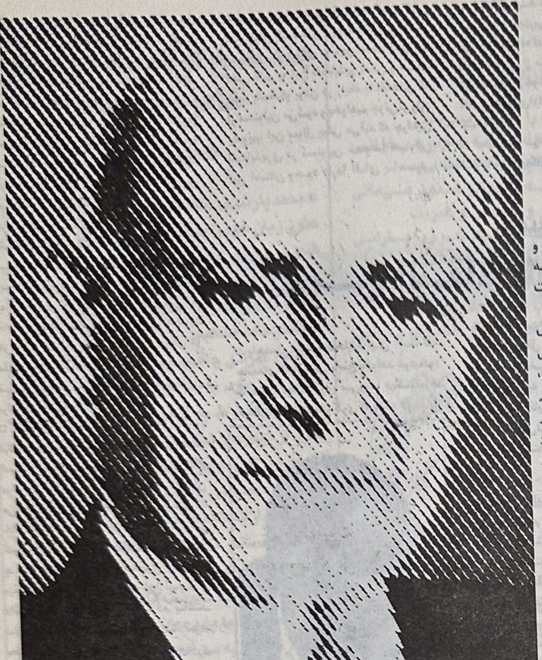



# یازدهم بهمن ماه، سالروز تصویب اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گرامی باد

«سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر»

## مهندس عبدالعلی بازرگان در مصاحبه با نسیم جنوب:

# مهندس بازرگان بخش عمده‌ای از زندگی خود را روی محور «آزادی» برای ایجاد امنیت و آبادی و مبارزه با استضعاف سرمایه‌گذاری کرد.



● به نظر می‌رسد اکثریت روشنفکران، صاحبنظران و کسانی که تحولات سیاسی، فرهنگی کشور را در دوران معاصر با نگاهی منصفانه تعقیب کرده‌اند، مرحوم مهندس را به عنوان پدر جریان روشنفکری دینی و پیشتاز نوگرائی دینی معرفی می‌کنند و حتماً جنابعالی نیز بر همین باور هستید. اگر اینطور هست، برای اثبات ادعای پیشتازی مهندس، چه دلایلی می‌توان ارائه داد؟

□ کسانی که چنان ادعایی را مطرح کرده‌اند حتماً برای خود دلائلی هم دارند که باید از خودشان پرسید اما اگر جریان نوگرائی دینی و روشنفکری اسلامی را در کل جهان اسلام در نظر بگیرید، مسلماً مصلحانی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عبده، کواکبی، اقبال لاهوری و امثالهم در این زمینه از نظر تاریخی مقدم و پیشتاز هستند، اما در کشور خودمان و در دوران معاصر، اگر چه اندیشمندان بزرگی قبل از مهندس بازرگان داشته‌ایم که سخنان ارزنده‌ای در موضوعات دینی مطرح کرده‌اند که بی‌سابقه بوده است، ولی از نظر وسعت و شدت و حجم نوشته‌ها و گفته‌ها و تأثیری که بر نسل جوان گذاشته شده، واقعیات تاریخی هیچ شخصیتی را در صد سال اخیر قبل از مهندس بازرگان نشان نمی‌دهد که دامنه تئوریک و عملی فعالیتهایش این چنین در زمینه‌های علمی، دینی، سیاسی و اجتماعی گسترده باشد.

● شاید بتوان کمتر کسی را یافت که همزمان در سه صحنه علم به مفهوم اخص آن (علوم پایه) و تحقیقات و پژوهشهای دینی در حد یک صاحبنظر و نیز در صحنه پرمخاطره اجتماع و سیاست و مبارزه در طول زندگی‌اش درگیر باشد و این کارها محتاج به اراده و عزمی قوی است. سؤال این است انگیزه و محرک این همه تلاش و سخت‌کوشی و خطرپذیری در نزد مهندس بازرگان چه بوده است؟

□ مهندس بازرگان در یک خانواده روشنفکر مذهبی متولد شده و از تعلیم و تربیت سالمی در دوران شکل‌گیری شخصیت خود برخوردار شده بود. علاوه بر زمینه تربیتی، خود نیز از سلامت جسمی و روحی و نعمت همت و تلاش و خودجوشی و خداشناسی بهره کافی برده بود، به همین دلیل در کار مدرسه و تحصیل نیز بسیار کوشا بود و به همین دلیل در اولین کنکور اعزام محصل به خارج کشور در زمان رضاشاه قبول شد و عازم فرانسه گردید. در فرانسه نیز در میان محصلین ایرانی اولین کسی بود که وارد مدارس عالیه فرانسه شد و سرپرستی محصلین ایرانی این موفقیت را بخشنامه کرد و به همه محصلین ابلاغ نمود. دوران دانشگاه را نیز با رتبه نخست در میان کلیه محصلین فرانسوی و خارجی به پایان رساند و پس از ۷ سال و طی دوران تکمیلی و تخصصی برای خدمت و تحویل اندوخته‌های علمی به هموطنان به ایران بازگشت. ایشان تا سالیان زیادی به استادی دانشگاه و تربیت مهندسین جوان و فعالیتهای ساختمانی و صنعتی مشغول بود و در این مدت در بستر انجمنهای اسلامی دانشجویان و سپس مهندسین و پزشکان و معلمین به بحثهای تئوریک در زمینه نوگرائی دینی می‌پرداخت و در زمینه عملی به تأسیس نهادهای اجتماعی همت می‌گماشت. ورود ایشان به صحنه سیاست در دوران روانشاد دکتر مصدق و جریان نهضت ملی است که مهندس بازرگان بعنوان رئیس هیئت مدیره موقت شرکت نفت (و بعدها رئیس شرکت نفت) مبارزه با شرکت نفت غاصب انگلیس را وجهه همت قرار داد. در کلیه این زمینه‌ها می‌بینیم احساس وظیفه و تعهد در برابر خدا و قصد و نیت خدمت به مردم محرک و انگیزه ایشان بوده است.

● در قلمرو علوم‌انسانی و در عالم اسلامی، علوم زیادی مانند فلسفه، عرفان، فقه، اصول و غیره وجود داشته، چه علومی که ریشه در خارج داشتند مانند فلسفه و چه علومی که بیشتر در جهان اسلام متولد شده‌اند مانند علم اصول و علوم قرآنی. عمدتاً در این علوم، به نظر می‌رسد مرحوم بازرگان عنایت خاصی به پژوهشهای قرآنی داشته‌اند، دلیل این عنایت ویژه چیست و در این مورد چه دستاوردهایی داشته است؟

□ علومی که اسم بردید همچون فلسفه، فقه و اصول، عرفان و ... در عین آنکه می‌توانند بسیار مفید و سازنده هم باشند، تماماً محصول اندیشه آدمی و کنکاشهای ذهنی و عقل نظری انسان هستند که ممکن است در راستای هدایت الهی یا در تعارض با آن قرار گیرند. برای مسلمانی که می‌خواهد پیام آفریننده خود را دریافت نماید، مقدم بر علوم بشری، کلام الهی یعنی وحی و قرآن است که محورهای هدایتی را ترسیم می‌نماید به همین دلیل مهندس بازرگان بجای آنکه وقت خود را بجای شناخت حقیقت صرف فلسفه و عرفان یا علوم و معارف حوزوی که ربط مستقیمی هم به پایه‌های اصلی معرفت دینی یعنی توحید و نبوت و آخرت ندارند بکند، مستقیماً به سرچشمه رفت و از آبشخور خالص و نیالوده کلام الهی خود را سیراب نمود.

نوشته‌های مهندس بازرگان عمدتاً تار و پود و رنگ و طعم قرآنی دارند، چه کتابهائیکه مستقیماً درباره قرآن نوشته شده مثل: سیر تحول قرآن (۳ جلد)، پا به پای وحی (۲ جلد) بازگشت به قرآن (۷ جلد)، چه بقیه کتابهای دینی ایشان که مایه اصلی‌اش آیات قرآن است اما با عینک علوم روز، بخصوص علوم دقیقه نوشته شده.

● اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین اندیشه‌ها، روشها و عملکردهای اجتماعی و سیاسی سیدجمال، اقبال و بازرگان به عمل آوریم، مشترکات آنها چیست؟ و تفاوتها در کجاست؟

□ مشترکات این سه شخصیت را می‌توان در نگاه از بیرون به دین و نوگرائی دینی، بازگشت به قرآن بعنوان مبنای هدایت و حرکت، توجه به تحول بنیادین ملت و تغییر اساسی نفوس، شناخت ویژگیهای مثبت و منفی دنیای غرب بدون خودباختگی در برابر آن، اعتماد به نفس، اتکاء به رب، همت و پشتکار و ...دانست.

اما تفاوت‌هائی هم با یکدیگر داشتند، سیدجمال در دوره‌ای می‌زیست که ملتهای مسلمان هنوز بیدار نشده و در خواب غفلت بودند و به این دلیل او عمر خویش را صرف به راه آوردن سلاطین و خلفاء کرد که در اواخر عمر به بیحاصل بودن چنین سرمایه‌گذاری پی برد، ولی روزگار این توفیق را به مهندس بازرگان داد که در عصر آگاهی ملتها و انقلابات فکری به دنیا آمد و توانست روی مردم، بخصوص جوانان تحصیلکرده و دانشجو سرمایه‌گذاری نماید.

با مرحوم اقبال لاهوری نیز تفاوتهائی داشت، اقبال همانطور که میدانید عمدتاً ذوق ادبی و هنری داشت و در فلسفه و عرفان عمیق شده بود، در حالیکه بازرگان بعنوان یک مهندس و متخصص ماشینهای حرارتی و دکترا در نساجی به علوم فیزیک و شیمی و ریاضیات آشنا شده بود و از منظر علوم دقیقه (نه علوم انسانی) به جهان می‌نگریست.

● یکی از چالشهایی که از دوران مشروطیت تاکنون، در جامعه ما وجود داشته، چالش بین سنت‌گرایی و تجددگرایی و یا همان چالش بین سنت و مدرنیته است. سؤال این است که جایگاه مهندس بازرگان در این کشمکش، کجاست و آیا اندیشه‌های او در این زمینه برای جامعه ما و خصوصاً تحصیل‌کرده‌ها می‌تواند راهنمای عمل باشد؟

□ از ویژگیهای مصلحین، یکی هم برخورد با افکار و آراء آباء و اجداد و سنتهای شکل گرفته از فرهنگهای منحط جامعه شرک‌آلود می‌باشد و مبارزه با خرافات و پیرایه‌هائی که به دین بسته شده است به این دلیل شما مصلحی را نمی‌یابید که تکفیر نشده یا مورد تهدید و تنبیه و تبعید قرار نگرفته باشد. مهندس بازرگان نیز نه تنها در قلمرو سیاست و حکومت مغضوب و مطرود و محکوم هر دو نظام بود بلکه در قلمرو دین و اعتقادات نیز اندیشه‌هایش اغلب مُهر ممنوعیت و سانسور می‌خورد.

محور اندیشه‌های نوگرایانه او که چیزی جز همان محورهای اندیشه سایر مصلحین نبود امروز نیز همچنان سازنده و برپادارنده است. مثل:

- بازگشت به قرآن به عنوان کتاب راهنمای عمل، بجای پیروی از اشخاص یا اقطاب و مراد و مرشد یا احادیث و روایات غیرمطمئن.
- استفاده از عقل و خرد و ابزار شناخت (چشم و گوش و دل) بجای تقلید کورکورانه و تبعیت بی‌چون و چرا.
- خداشناسی با آیات او در آفاق و انفس بجای پرداختن به ذهنیات و کند و کاوهای فلسفی و کلامی.
- دید پراگماتیسی داشتن در اموردینی و توجه به جنبه‌های مثبت عملی و اجتماعی.
- تکیه روی اختیار، آزادی و آگاهی انسان و حق انتخاب آگاهانه او.
- محور قرار دادن ملت و رأی آزاد او و اعتقاد به حاکمیت ملت بجای ولایت مطلقه یک صنف یاطبقه.

● اگر ما وجود آشکال مختلف استضعاف یعنی استحمار، استعباد، استبداد، استثمار و استعمار در باورهای ذهنی و فکری و نیز در قلمرو اجتماع، از نمادها و مظاهر شرک بشمار آوریم و مسئولیت اصلی یک روشنفکر و مصلح اجتماعی و دینی را حرکت در جهت محو آنها و برپائی جامعه عاری از استضعاف بدانیم، به عقیده شما، تئوریها و عملکردهای مهندس تا چه حد توانسته است به تحقق این آرمان کمک نماید؟

□ مدافعات مهندس بازرگان در بیدادگاه نظامی شاه که در آن به ده سال محکوم شد «چرابا استبداد مخالفیم» نام گرفته است که چندین بار به چاپ رسیده است. مهندس در فصول مختلف این کتاب نشان می‌دهد که در نظام استبداد خدا پرستیده نمی‌شود، اخلاق رشد نمی‌کند، استعدادها شکوفا نمی‌گردد، اقتصاد رونق پیدا نمی‌کند، صنعت توسعه پیدا نمی‌کند و ...او استبداد را شرک می‌دانست و بخش عمده‌ای از زندگی خود را روی محور «آزادی» برای ایجاد امنیت و آبادی و مبارزه بااستضعاف دراشکال مختلف آن سرمایه‌گذاری کرده بود.

● می‌دانیم که مرحوم مهندس، یکی از پیشتازان ایدئولوژیک کردن (ساختن) دین است و اینکه دین تنها جنبه فردی و شخصی نداشته و یا حتی در احکام فرعی و فقه و اصول خلاصه نمی‌شود بلکه کارکردهای اجتماعی و سیاسی هم دارد، این موضوع تقریباً در کلیه سخنرانیها و نوشته‌ها و مشخصاً در کتاب بعثت و ایدئولوژی او به وضوح منعکس شده و عملکردش نیز آن را تأیید کند ولی ایشان قبل از رحلت، سخنانی ایراد می‌کند تحت عنوان «خدا و آخرت، هدف بعثت انبیاء»، که محتوای این سخنرانی با اظهارنظرها و عکس‌العملهای متفاوتی مواجه می‌گردد. از جمله برخی از روشنفکران دینی نتیجه گیری کردند که ایشان اساساً نظرات قبلی خود را در مورد رسالت دین یعنی دنیوی و اخروی بودن آن ترک گفته و ایدئولوژی را رها کرده، برخی دیگر هم مدعیات و استدلالهای جدید مهندس را وافی به مقصود و محکم نمی‌دانند، برخی هم بر این باورند که این نظریه بازتابی انفعالی و عکس‌العملی در مقابل افکار و روند حوادث و عملکردهای چند ساله اخیر حاکمیت بوده است، شما در این مورد چه می‌اندیشید؟

□ نظریات ایشان را دراین مورد شما می‌توانید در کتاب «آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء» دریابید، برخلاف برخی اندیشمندان که به دلیل عدم ارتباط نزدیک با مهندس بازرگان چنین نتیجه‌گیری کرده بودند که مهندس بازرگان در اواخر عمر از مبارزه سیاسی و پیوند دین وسیاست استعفا داده است، ایشان تا آخر عمر بر چنین موضعی پافشاری نمود، و همچنان بر نقش محوری آزادی و مبارزه با استبداد در ابعاد مختلف آن تأکید می‌کرد.

علت تأکید مهندس بازرگان روی دو محور آخرت و خدا به دلیل فراموش شدن این دو اصل پس از انقلاب و تأکید اساسی روی موضوع ولایت یا حکومت بود که موضوعات اساسی توحید و آخرت را تحت‌الشعاع قرار داده بود. ایشان با این تأکید میخواست ثابت کند مهمترین پایه‌های دین خدا و آخرت است نه ولایت به معنای سلطه سیاسی یک گروه بر دیگران. نوشته‌های دیگر بازرگان نیز از موضعی پراگماتیستی در هر دوره ناظر به مبرم‌ترین مسئله و مشکل مردم در مقطع زمانی خودش بوده است.

● از ۲۰ سال پیش از انقلاب و بعد از آن، اندیشه‌های بازرگان مانند قانونگرائی، تشنج‌زدایی، احترام به حقوق همه مردم، احترام به رأی و نظر مردم، نفی خشونت در روابط اجتماعی و سیاسی و عدم اجباری کردن احکام دین و مسایلی از این دست بود که اینک، بر زبان رئیس جمهور محترم جاری است، این مطلب از چه چیزی حکایت می‌کند؟

□ ارزشهای اخلاقی و انسانی در انحصار هیچکس نیست تا اگر کسی مشابه دیگری عمل کرد این کار را به حساب تقلید و دنباله‌روی بگذاریم. ارزشهائیکه نام بردید از زمان نوح(ع) تاکنون مطرح بوده و ابراهیم خلیل و پیامبر خاتم تبلیغ کننده و تکمیل کننده آنها بوده‌اند.

انطباق مورد نظر شما از دو چیز حکایت می‌کند: اول اثبات درستی ارزشهائی که مهندس بازرگان در اوایل انقلاب که جو احساسات و جوش و خروش انقلابی حاکم بود مطرح می‌کرد ولی کمتر گوش شنوائی برای آن وجود داشت. دوم استقلال رأی و استحکام شخصیت آقای خاتمی که علیرغم جو حاکم جرأت طرح ارزشهای فوق را به خود داده است.

● درباره سیاست و منش تساهل و تسامح مرحوم مهندس در مقابل مخالفانش زیاد شنیده‌ایم، اگر در این مورد خاطراتی دارید بفرمائید.

□ شاید نمایندگی در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی حاوی بیشترین موارد چنین حلم و حوصله‌هائی بوده باشد که در اوج سلطه احساسات انقلابی قرار داشت. معمولاً بدو ورود ایشان به مجلس محافظین و پاسداران نمایندگان جناح مقابل شعار مرگ بر امریکا، مرگ بر ضدولایت فقیه و ... سر می‌دادند. گلنگدن تفنگ‌های خود را برای تهدید می‌کشیدند و همه روزه تهدیدهای فراوان میکردند ولی ایشان به رغم کسانی که در مواجه با این جو تعهد نمایندگی مردم را رها کردند همچنان به مجلس می‌رفت و این دشنامها را با سلامت تحمل می‌کردند.

● درباره بنیاد فرهنگی بازرگان و برنامه‌های این بنیاد نیز توضیح دهید.

□ بنیاد فرهنگی بازرگان از اوائل سال ۱۳۷۶ تأسیس شده است. برنامه اصلی این بنیاد حول دو محور قرار دارد:

۱ـ جمع‌آوری، تنظیم و انتشار کلیه آثار مکتوب، صوتی و تصویری مهندس بازرگان.

۲ـ مطالعه و تحقیق پیرامون:

۲ـ۱ـ اصول و زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی مهندس بازرگان.

۲ـ۲ـ ادامه، تکمیل و توسعه تحقیقات علمی مهندس بازرگان در زمینه‌های: فرهنگی، اجتماعی، معارف اسلامی، به ویژه قرآن‌شناسی.

۲ـ۳ـ انجام تحقیقات مفید در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.

این بنیاد از هیئت مؤسس مرکب از اعضاء خانواده، بستگان ودوستداران تشکیل شده و دارای هیئت مدیره و مدیر عامل می‌باشد.

از مهندس بازرگان حدود ۳۵۰ کتاب و مقاله چاپ شده و نشده تاکنون جمع‌آوری شده که قرار است انشاءالله در ۲۶ مجلد بعنوان مجموعه آثار چاپ شود که تاکنون سه مجلد آن منتشر شده و دو مجلد دیگر در دست اقدام است.

علاوه برآثار، پروژه‌های تحقیقاتی دیگری در ادامه، تکمیل و توسعه تحقیقات علمی ایشان در گروه تحقیق بنیاد در دست اقدام است که بخواست خدا در آینده منتشر خواهد شد.



دکتر حسین قریب - مهندس مهدی بازرگان - مهندس عبدالعلی بازرگان

نشست صاحب نظران در باره

## مسئولین، مطبوعات، انتقاد

# بررسی انتقاد ناپذیری مسئولین در استان بوشهر

● نسیم جنوب: اصولاً وقتی یک عمل اجتماعی (کنش اجتماعی) صورت می‌گیرد، همانطور که یک فایده‌ای دارد طبیعی است که باید یک هزینه‌ای هم بدنبال داشته باشد. اگر این قاعده را به عملکرد مدیران و مسئولین سوق دهیم درمی‌یابیم که امروز مسئولین و مدیران دارند از مزایا و فایدهٔ پُستشان استفاده می‌کنند، اما هیچگونه هزینه‌ای در قبال استفاده‌ای که از این پستشان می‌برند متحمل نمی‌شوند. یکی از هزینه‌هایی که اینها باید متحمل شوند پاسخگو بودن مقابل اعمال مدیریتشان است. حال اگر موافق باشید ما بحث را از اینجا شروع کنیم که آیا باید اینطور باشد؟ یعنی مدیران در رابطه با این مدیریتی که انجام می‌دهند و فایده‌ای که می‌برند باید هزینه‌ای هم (که همان پاسخگو بودن در مقابل مردم است) بپردازند و یا اینکه نه، نیازی نیست که مدیریتشان هزینه‌ای برایشان داشته باشد؟

□ عاشوری نژاد: من خیلی وارد مبانی نظری انتقادپذیری نمی‌شوم منتها یکی دو جمله است که حیفم می‌آید که ذکر نکنم اول اینکه مولا علی یک جمله آسمانی دارد ایشان می‌فرمایند که «من بالاتر از این نیستم که خطا نکنم.» یعنی من هم خطا می‌کنم. وقتی که بزرگترین مسئولان حکومت اسلامی این چنین با مسئله انتقادپذیری برخورد میکردند، تمام مسئولین باید این حوصله را داشته باشند که جوابگوی مردم باشند. امااجازه دهید که مستقیماً وارد بحث شوم. مطلب سر این است که ما حکومت جمهوری اسلامی را پذیرفته‌ایم، در حکومت جمهوری مردم حق این را دارند که بر کار مسئولان نظارت داشته باشند پس تحت این شرایط کسی که پستی در جایی به آن محول می‌شود این نبایستی برایش این تلقی وجود داشته باشد که این مقامی که الان احراز کرده است این مُلک پدرش است، بلکه او کارگزار یک حکومت جمهوری اسلامی است. پس در تحقق این شرایط، مردم و مجموعه‌ای که تحت نظر آن رئیس هستند می‌توانند نسبت به کار آن رئیس نظارت داشته باشند و انتقادات خودشان را عنوان کنند و مسئول هم موظف است به انتقادات مردم پاسخ دهد. پس تحت این شرایط پذیرش مسئولیت و پذیرش انتقاد و پاسخگو بودن رئیس یک اصل است که از هم انفکاک‌پذیر نیست.

● نسیم جنوب: نکته جالبی که اشاره فرمودید همان پذیرش مسئولیت است که برای مسئولین پاسخگو بودن را به دنبال دارد. آقای یاحسینی شما درباره بحثی که الان شروع شد، در رابطه با اینکه مسئولین به واسطه پستی که بر عهده دارند و استفاده از مزایایی که می‌برند، هزینه‌هایی نیز باید پرداخت کنند که یکی از آنها پاسخگو بودن است، چه نظری دارید؟

□ یا حسینی: اجازه بدهید قبل از اینکه وارد بحث اصلی بشوم بین دو مطلب تفکیک قائل شوم، یکی آنکه آنچه هست و یکی دیگر آنچه باید باشد. طبیعی است که در جوامع دموکراتیک و مدنی، پاسخگوئی مسئولین از ابتدایی‌ترین مسائل این جوامع است، اما اگر جامعه خودمان را نگاه کنیم می‌بینیم علیرغم آن چیزی که در مکتب ما نهفته است و به شکل خیلی قوی حضور دارد اما بخاطر پیشینه قوی استبداد، چنان عرصه را بر آزادی و نقد و انتقاد تنگ کرده که علیرغم ۲۰ سال نظام جمهوری اسلامی و شعارهای داده شده در این مورد، هنوز هر یک از مسئولین ما حتی اگر در شعار، آزادی خواه و دمکرات باشند اما متاسفانه اکثرشان یک دیکتاتور کوچک در حوزه مسئولیتشان هستند و نه تنها نقد را نمی‌پذیرند بلکه اساساً کسی را که نقد می‌کند دشمن می‌پندارند. نقد دوستانه و نقد بعنوان نقد و نقد به عنوان اصلاح ساختاری اصلاً در مخیله بسیاری از مسئولین ما نمی‌گنجد. مسئولی که به مجرد آنکه اطلاع پیدا می‌کند یک نشریه‌ای یک انتقاد خیلی آبکی برایش نوشته، قراردادش را با سردبیر آن مجله یا صاحب امتیاز لغو می‌کند، چگونه می‌خواهیم با این مسئول سخن از انتقادپذیری بگوئیم. بنابراین خیلی صریح باید بگوئیم در قلمروی بایدها شعارهای خیلی قشنگی می‌دهیم ولی در قلمرو هستها می‌بینیم خیلی مشکل داریم. اجازه بدهید خیلی سریع بحث را محلی و بومی کنیم، هنوز ابتدائی‌ترین مسئله که حق آزادی انتقاد، برای مطبوعات است در استان بوشهر به رسمیت شناخته نشده است. در این استان میزان انتقادپذیری مسئولین تا چه اندازه است؟ تا چه اندازه مسئولین ما یک نقد منطقی را پذیرفته‌اند؟ وضعیت انتقاد و نقادی طوری است که وقتی یک نشریه اعلام می‌کند فلان فرماندار می‌خواهد عوض شود، بخاطر لج به لجی با آن نشریه آن فرماندار را حالا حالاها عوض نمی‌کنند. وضعیت این چنین اسفبار است.

● نسیم جنوب: پس یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گرفت و آن نقدناپذیری اکثر مسئولین در استان بوشهر است. اگر ما دقتی کنیم به این نقدناپذیر شدن و همان عدم پاسخگو بودن در رابطه با نقدهایی که از مسئولین می‌شود و بخواهیم جزئی تر وارد بشویم، این سوال پیش می‌آید که چرا این نقدناپذیری در مسئولین خصوصاً مسئولین این استان وجود دارد؟ آقای یاحسینی بفرمائید.

□ یاحسینی: بنده تحلیلم این است که جامعه‌ای که از کسی پاسخ نخواهد خودبخود به سوی دیکتاتوری می‌رود، دیکتاتورها کسانی هستند که هر کاری که بکنند در مقابل



سید قاسم یاحسینی، نویسنده و روزنامه‌نگار: متاسفانه اکثر مسئولین ما یک دیکتاتور کوچک در حوزه مسئولیتشان هستند

هیچ کس پاسخگو نیستند. نظام جمهوری اسلامی متأسفانه در سالهای اخیر در برخی از نقاطش چنان حرکت کرده که مدیر هرکاری که کند در مقابل افکارعمومی پاسخگو نیست. در قیاس محلی خود بیائیم نگاه کنیم، گزینه سیاسی که بعد از دوم خرداد اتفاق افتاد، می‌بینیم ترکیب بخش نخبگان سیاسی، تقریباً همان ترکیبی است که قبل از دوم خرداد، در مقابل حرکت مردم بودند، این مردم علیه قبل از جریان دوم خرداد حرکت کردند و طبیعی‌ترین انتظارشان این بودکه ساختار سیایی در استان عوض شود. اما پستها مجدداً بین همان عناصری که قبل از دوم خرداد بودند، اما با نزدیک شدن دوم خرداد احساس کردند اوضاع تغییر می‌کند، آمدند در ستاد انتخاباتی خود را نشان دادند و می‌بینیم بعد هم در پستشان ابقا شدند، بنابراین یکی از مسایل اساسی‌مان دراین‌باره این است که مسئولین انتقادناپذیر، مسئولینی هستند که دم از دوم خرداد می‌زنند ولی برگرفته از دوم خرداد نیستند و نکته بعد این است که در جامعه‌ای که دمکراسی وجود نداشته باشد فرهنگ دمکراسی هم موجود نیست در جامعه‌ای که تمرین تساهل و تسامح و مدارایی وجود ندارد، وقتی یک ملتی ۶۰۰۰ سال دیکتاتوری و استبداد داشته، طبیعی است که فرهنگ دمکراسی در آن وجود نداشته باشد.

البته مشخص است که کسی از انتقاد خوشش نمی‌آید ولی این مردم‌اند که باید حقوقشان را بگیرند. به تعبیر شعارهای کبیر فرانسه، «آزادی گرفتنی است نه دادنی» بنابراین این مردم‌اند که با کارکردهای خاص نظام دمکراتیک باید بتوانند مسئولین را به انتقادپذیری وادارند و اگر مسئولی در مقابل این قضیه مانع شد او را برکنار کنند.

● نسیم جنوب: یک اشاره‌ای شد به جامعه غیرپرسشگر که متأسفانه ما این را در استان بوشهر به عینه مشاهده می‌کنیم. در رابطه با این جامعه غیر پرسشگر، می‌توان به دو نکته اشاره کرد: در طول سالهای گذشته یک نظارت مستمر از سوی نهادهای مربوطه بر روی کار مسئولین صورت نگرفته و یک نظارت قانونی بطور اکمل نبوده است، مورد دیگر بی‌تفاوتی مردم نسبت به عملکرد مسئولین است خصوصاً در استان بوشهر. یعنی مسئولی که در استان بوشهر مدیر می‌شود می‌بیند که در سالهای مدیریتش رها شده تا اینکه در مدت مدیریتش در این استان، بر اثر اشتباهاتی که انجام می‌دهد یک تجربه‌ای بدست بیاورد و موقعی که یک مدیر کارآمد شد، تازه او را انتقال میدهند به یک استان بزرگتری برای اینکه تجاربی را که اینجا بدست آورده در آنجا استفاده کند و در این سالها هیچگونه نقش نظارتی از سوی مردم بر روی عملکرد این مسئول وجود ندارد و به عمل نیامده، آقای عاشوری‌نژاد در این رابطه نظر شما چیست؟

□ عاشوری نژاد: باید گفت که دیدگاه انتقادانه با دیدگاه عیبجویانه تفاوت دارد. متأسفانه بسیاری از ما وقتی مطلبی در روزنامه‌ای نقل میشود بجای اینکه با حسن نظر به این قضیه نگاه کنیم و ببینیم کار ما نقد شده، آن را به حساب عیب‌جوئی می‌گذاریم و در صدد مقابله برمی‌آئیم. مسئولان ما با این انتقاداتی که از آنها می‌شود اینگونه برخورد می‌کنند.

البته یک روحیه‌ای مردم استان بوشهر دارند و آن اینکه گفته می‌شود که مردم بوشهر مردم نجیبی هستند. اما باید دانست که این نجابت با انتقاد کردن دو مقوله کاملاً متفاوت است. اگر کسی سرش را زیر بیاندازد و شاهد حق و باطل اجتماع خودش نباشد متاسفانه به این آدم تلقی می‌شود که یک آدم نجیبی است و مورد احترام است منتهی اگر کسی تمام قضایا را با دقت ببیند آنجا که نقاط قوت است تشویق کند و آن که نقاط ضعف است تذکر بدهد یک تلـ بدی از وی بوجود می‌آید، و در مجموع ایـ نکته را عرض نمائیم که این طرز تلقی اشتباه است و نهایتاً ما محتاج این هستیم که قضایایی که در حول و حوشمان رخ می‌دهد را نقد کنیم. مشکل اساسی که در این رابطه در استان بوشهر وجود دارد این مسئله است. نهایت صحبت من این است که مردم بدانند که نجابت با انتقاد نکردن تفاوت دارد. اگر ما قضایا و عملکرد مسئولان خودمان را به دقت ننگریم و آنها را نقد نکنیم نه تنها نجیب نیستیم بلکه خیانت کرده‌ایم به خودمان به انسانیت و به استان محروم خودمان.

□ یاحسینی : در ادامه صحبتهای آقای عاشوری‌نژاد این نکته را متذکر بشوم که اصل نجابت مردم بوشهر که مطرح می‌شود من احساس می‌کنم که یک ابزار است، یعنی کسانی که زیرکانه می‌گویند مردم بوشهر نجیب هستند ـ که البته هستند ـ می‌خواهند اینچنین بگویند که کسانی که انتقاد و پرخاشگری می‌کنند نانجیب‌اند و این عملاً در اذهان برخی مسئولین چنین جا افتاده که مردم بوشهر مردم نجیبی هستند بخاطری اینکه آهسته می‌آیند و به کسی کاری ندارند. در این میان اگر کسی بلند شد و حق خودش را خواست یا از حق دیگری دفاع کرد پس نانجیب است.

● نسیم جنوب : یکی از علل انتقادناپذیری مسئولین بوشهر بی‌تفاوتی مردم به عملکرد مسئولین است که البته ریشه‌های بی‌تفاوتی مردم این استان گسترده است که موضوع بحث حاضر نیست و به یک فرصت مناسب موکول می‌کنیم. اما یک چیزی که آقای عاشوری‌نژاد اشاره کردند همان تفاوت بین دیدگاه انتقادانه با دیدگاه عیبجویانه است یعنی وقتی که یک انتقادی از مسئولی صورت می‌گیرد به یک دیدگاه عیب‌جویانه نگریسته می‌شود تا انتقادانه. شاید یکی از دلایل اینکه دیدگاه عیب‌جویانه به این انتقادها نگاه می‌شود این است که حق پرسش‌گری را در مورد مدیریتشان وکارهایی که انجام میدهند از مردم انتظار ندارند. جناب آقای یاحسینی نظر شما در این مورد چیست؟

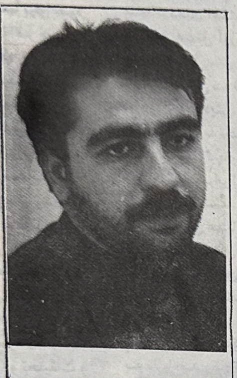
□ یاحسینی : در قانون اساسی به مردم حقوقی داده شده، اما در سالهای اخیر می‌بینیم برخی از این حقوق اساساً از مردم دریغ شده. شما وقتی مردم را فقط برای این می‌خواهید که در مراسمهای ویژه شرکت کنند و شعار دهند، طبیعتاً نتیجه‌اش همین خواهد بود. سهم مشارکتی مردم در استان بوشهر بسیار ضعیف است، مثلاً یک نمونه عینی قضایا را که می‌بینیم همین بخش فرهنگی است. در بخش فرهنگی ما با فاجعه‌ای بنام «فاجعه فرهنگی» مواجه هستیم و علیرغم اینکه مسئولین و دست‌اندرکاران اتفاق نظر دارند که در زمینه فرهنگی با فاجعه فرهنگی روبرو هستیم اما می‌بینیم در برابر فکرهای موجود و انتقادهای موجود هیچ واکنشی از طرف مسئولین نشان داده نمی‌شود. این بارزترین نشانه بی‌اعتنائی به مردم است. کسانی که فقط مردم را می‌خواهند که بیایند شعار بدهند و در صفهای انتخابات بطور طویل شرکت کنند، اما به کوچکترین خاصه‌های منطقی‌اشان توجه نمی‌کنند. مسئولی که خودش را چنان برتر می‌بیند که مصاحبه درباره سوالاتی که درباره مدیریتش مطرح است با مطبوعات محلی را در شان خودش نمی‌بیند شما چه انتظاری دارید که بیاید و از حقوق مردم منطقه دفاع کند. مسئولین ما علیرغم اینکه از دوم خرداد صحبت می‌کنند ولی باید دانست که این نظرات صرفاً یک تفکر سیاسی است نه فرهنگی، یعنی ما شاید در بوشهر چپ سیاسی داشته باشیم اما چپ فرهنگی نداریم و خیلی از مسئولین ما راست فرهنگی هستند. این است که به مشارکت مردم در امور فرهنگی هیچ اعتقادی ندارند. ما در تک‌تک حرکتها و روشها و تصمیم‌گیریهایشان این جریان را می‌بینیم.

● نسیم جنوب: یک اشاره‌ای که شد اینکه اکثر مسئولین نقش تاییدکنندگی را از مردم انتظار دارند نه نقش پرسشگرانه، و به عبارتی یک رابطه یکسویه بین مسئولین و مردم وجود دارد و مردم فقط نقش تأییدکننده و مسئولین نقش تصمیم‌گیرندهٔ بدون جواب، را به عهده گرفته‌اند، آقای عاشوری‌نژاد شما این بحث را ادامه بدهید؟

□ عاشوری‌نژاد: مسئول ما این احساس را دارد که در قبال کارهایی که انجام می‌دهد مسئول است منتها او فکر می‌کند که در مقابل مدیر مافوق خودش مسئول است و برخی از آنان بیش از آن که باید دنبال این باشند که مردم و مجموعه‌ای که زیر دست او هستند راجع به آنها و عملکردشان چگونه فکر و ارزیابی می‌کنند، بیشتر در فکر این هستند که مسئول و مدیر و وزیر مافوق، راجع به عملکرد آنها چگونه فکر می‌کنند و این یک مطلبی است که مدیران ما بایستی به این درجه از احساس مسئولیت و آگاهی و درک برسند که آنها همانطور که در مقابل مسئولان رده بالاتر از خود پاسخگو هستند، بایستی درمقابل مجموعه مردم هم پاسخگو باشد. منتها من اینجا احساس می‌کنم که یک مشکل روانی در عدم انتقادپذیری مسئولان دیده می‌شود و آن این است که بعضی از مسئولان ما فکر می‌کنند که چون برای ریاست فلان پست برگزیده شده‌اند پس شایسته‌تر از همه هستند و کسی نمی‌تواند راجع به کار و مدیریت آنها صحبتی کند. نتیجه این مشکل یا دیدگاه یا ضعف روانی این می‌شود که آنها مجموعه زیردست خودش و مردم را هیچ می‌انگارد و کار خودش را ادامه می‌دهد. پس این مسئله هست و من آنرا به این شکل ادامه می‌دهم که واقعاً به این دلیل که جامعه، هنوز جامعه دمکراتیک به معنای دقیق کلمه نیست، مسئولینی که برای پستهای مختلف انتخاب می‌شوند ممکن است اینها بهترین اشخاص برای آن پست نباشند، این یک واقعیت است. مسائل مختلفی وجود دارد تا اینکه یک فرد بعنوان مسئول یک جایی برگزیده شود، وابستگی‌های جناحی مهم است روابط مهم است و ... ما نمی‌توانیم اینها را انکار کنیم. پس ممکن است افرادی باشند که در حیطه یک اداره کاردان‌تر باشند، منتها اقبال به آنها نشده. من صحبتم را با یک جمله آسمانی از مولا شروع کردم که می‌فرمایند: «من بالاتر از این نیستم که خطا نکنم» و مسئولان ما باید این جمله را در مقابل داشته باشند و بدانند که اینجایی که قرار گرفته‌اند ممکن است شایسته‌ترین نباشند این یک اصل است و انسان هم خطاپذیر است پس تحت این شرایط مسئولان‌ما باید دقت داشته باشند در مقابل کاری که انجام می‌دهند در مقابل مردم و مجموعه پاسخگو باشند.

● نسیم جنوب: نکته جالبی اشاره شد و اینکه مسئولین ما تنها خودشان را در قبال مدیران مافوق پاسخگو می‌دانند. در این صورت احتمال خطایی که پیش می‌آید این است که بطور طبیعی آن مسئولی که عهده‌دار پستی است قبل از اینکه به وظیفه خودش عمل کند، طبق سلیقه ها و نظرات مافوقش عمل کند و بعبارتی سعی کند که مافوقش را راضی نگه دارد. آقای یاحسینی شما در این رابطه و اینکه این فکر چه خطراتی را می‌تواند به دنبال داشته باشد نظرتان را بفرمائید.

□ یاحسینی: نتیجه اینکار چندین چیز است یکی فاصله گرفتن مسئولین از مردم، که این فاصله‌گذاری به این صورت است که در کارهایشان با آنها مشورت نمی‌شود و هیچ سهمی به آنها داده نمی‌شود و مشارکتی وجود ندارد. و نتیجه فاجعه‌آمیز این قضیه بی‌تفاوتی مردم‌است، مردمی که می‌بینند مسئول اعتنایی به آنها نمی‌کند، خودبخود مردم هم بطور طبیعی نسبت به آن مسئول بی‌اعتماد و بی‌انگیزه می‌شوند. انتقادپذیری حُسن اصلیش این است که مردم احساس مشارکت می‌کنند یعنی وقتی یک مسئولی در مقابل مردم پاسخگو باشد مردم هم بطور طبیعی خودشان را موظف می‌دانند به همکاری، اما وقتی مدیرکلی فقط فکر دادن بیلان کار به وزیر است، مردم هم بطور طبیعی نسبت به عملکرد وی بی‌رغبت می‌شوند. نمونه بارزش در کارکردهای فرهنگی منطقه خودمان است، می‌بینیم مسئولان فرهنگی خوش دارند که چند تا



عباس عاشوری نژاد، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار: برخی از مسئولین به غلط فکر می‌کنند شایسته‌ترینند و از اینرو انتقاد را برنمی‌تابند

شعار بدهند، چند کتابخانه و چند نمایشگاه دائر شده و ... اما فرهیختگان این منطقه نه تنها مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد بی‌مهری هم قرار می‌گیرند. این همه استاد دانشگاه، متفکر، محقق و پژوهنده می‌بینیم نه تنها در برنامه‌های فرهنگی استان مشارکتی ندارند، بلکه به انواع مختلف طرد و خانه‌نشین هم می‌شوند و مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند، چرا؟ بخاطر اینکه آقایان مسئول اساساً فکر این نیستند که بخواهند ارتباطی با مردم برقرار کنند، آنها وزیر را می‌شناسند. نتیجه این فکر همین اتفاق می‌شود که در استان بوشهر افتاده است.

● نسیم جنوب: یک نکته که اشاره فرمودید درباره خطری که ممکن است این رضایت مافوق ایجاد کند، همان پسنده کردن به دادن بیلان کار است. نمونه مشخص آن همین قضیه مطبوعات است. خوشبختانه بعد از دوم خرداد ۵ الی ۶ نشریه در بوشهر راه افتاده و اکثر مسئولین مربوطه در استان هم در مصاحبه‌هایشان با افتخار یاد می‌کنند که در دورهٔ آنها بوده که مطبوعات راه افتاده است، آقای یاحسینی نظر شما چیست؟

□ یاحسینی: بنده این را اصلاً به پای فرهنگ دوستی مسئولین نمی‌گذارم. یک اتفاقی بنام دوم خرداد در تهران و ایران افتاده و طبیعی است به دنبال این موج و به دنبال این زلزله، پس‌لرزه‌هایی هم در یک جای دور افتاده مثل بوشهر اتفاق می‌افتد و این موجی که ما در مطبوعات می‌بینیم موجی نیست که آقایان در بوشهر ایجاد کرده باشند. موجی است که در تهران ایجاد شده به شکل خیلی قوی و گسترده و به شکل خیلی ضعیف و کم‌جان در چند نشریه بوشهر متجلی شده. وقتی می‌توانیم دم از پویایی فرهنگی بزنیم که در این منطقه خیلی چیزهایی که در جاهای دیگری مثلش نیست یا هست ولی ضعیف، در اینجا قوی و پربار به انجام رسد. یعنی ناشری در بوشهر که دو تا سه کتاب در سال چاپ می‌کند، زمینه فراهم شود که ۳۰ الی ۴۰ کتاب منتشر کند، کتابخانه‌ای داشته باشیم که مرکز پژوهش باشد، مرکز بوشهرشناسی، سالی ۳۰ الی ۴۰ کتاب منتشر کند. گروههای هنری بتوانند خیلی ازاد حرکت کنند،اما آیا این اتفاقات افتاده است؟ اجازه‌بدهید یک قضیه مشابه دیگری هم بیان کنم. همزمان با حکومت دکتر محمد مصدق در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در بوشهر به تعداد همین امروز ۵ تا نشریه وجود داشت، مسئولین آن موقع فرهنگی بوشهر هم آدمهای اهل فرهنگ نبودند، موجی بود که در تهران اتفاق افتاد بود و به بوشهر هم رسیده بود. پس از برکناری دکتر مصدق، همین مسئولین شروع کردند به تعطیل کردن نشریات. یادمان باشد که به دنبال حمله‌ای که چند ماه پیش به مطبوعات شد و منجر به توقیف چند نشریه شد برخی از همین مسئولین زمزمه توقیف نسیم جنوب هم داشتند و حتی با گله اظهار نظر می‌کردند چرا نسیم‌جنوب توقیف نمی‌شود؟

● نسیم جنوب: در رابطه با این موضوع، چون مشکلات از نزدیک گریبانگیرمان هست، به عینه این بی‌توجهی مسئولین استان را نسبت به مطبوعات شاهدیم، به عنوان مثال بعد از انتشار این چند نشریه بعد از دوم خرداد، از سوی اداره ارشاد و یا از سوی استانداری و شخص استاندار که به نظر می‌رسید یک شخصیت فرهنگی است حتی یک جلسه برای بررسی مسائل و مشکلات مطبوعات برگزار نشده. بنظر می‌رسد که هنوز برخی انتظار دارند که مطبوعات تنها یک نقش تأییدکننده و حمایتگر را برعهده بگیرند و متأسفانه یک عدم حمایت کامل و بی‌تفاوتی مسئولین نسبت به مطبوعات محلی را شاهد هستیم آقای یاحسینی‌نظرتان دراین مورد چیست؟

□ یاحسینی: یک صحبت را می‌خواهم اضافه کنم به صحبتهای قبلی‌ام. شما نگاه کنید مسئولین می‌گویند مطبوعات را حمایت می‌کنیم، دادن یک مجوز برای منتشر شدن نشریه، این کمترین چیزی است که وظیفه آن اداره مربوطه است. حمایت واقعی وقتی است که ما تلاش کنیم که اینها مشکلات مالی نداشته باشند، تلاش کنیم سطح کیفی خبرنگارها و دست‌اندرکارانشان با گذاشتن کلاسهای آموزشی و آوردن اساتید مجرب از تهران بالاببریم، تلاش کنیم که در مقابل بعضی از مشکلاتی که برای مطبوعات اتفاق می‌افتد از آنان حمایت کرده و خیلی سخت و محکم کنارشان بایستیم. همین نمونه بارز مطبوعات محلی، نسیم‌جنوب است. برای رفع کدام یک از مشکلاتی که برای نسیم‌جنوب اتفاق افتاده یکی از مسئولان حاضر شدند پیشقدم شوند؟

بنابراین دادن یک مجوز وظیفه است مثل این است که شما پاسخ به یک نامه اداری را بدهید و انجام وظیفه هنر نیست. مسئولین ما فقط مطبوعات را بعنوان بولتن خبری خودشان می‌خواهند و چون این را در بعضی از نشریات نمی‌بینند موضع‌گیری می‌کنند.

● نسیم جنوب : آقای عاشوری‌نژاد رسیدیم به بحث مطبوعات، شما نیز بعنوان سخن پایانی این میزگرد، نظرتان را بگوئید؟

□ عاشوری‌نژاد: در جوامعی که نهادهای مستقل از حکومت و دولت وجود ندارد مطبوعات می‌تواند بعنوان عمده‌ترین محل نظارتی مردم از کارهای مسئولان تلقی شوند. آقای یاحسینی نکته‌ای را اشاره کردند و آن این است که در دوره مصدق در بوشهر ۵ نشریه منتشر می‌شده است اینکه در یک استانی که خیلی هم وسعتش زیاد نیست این تعداد نشریه در آن روز منتشر می‌شده، این نشان از وجود یک استعداد و خلاقیت و توانائی دارد و اینکه از آنزمان تا انتشار مستمر هفته‌نامه ارزشمند آئینه جنوب ۴۰ سال گذشته، این نشان از بی‌توجهی مسئولین نسبت به این خلاقیت دارد. این که از انتشار آن نشریه تا دوم خرداد و انتشار نشریاتی مثل نسیم‌جنوب، پیغام، پیام، نصیر و لیان این تعداد نشریه منتشر شده این نشان از بروز دوباره خلاقیت مردم است. حالا مسئولان قطعاً افزایش تیراژ یا تعداد نشریات را نباید بعنوان بیلان کاری و یک افتخار برای خود تلقی کنند. آن چیزی که مهم است و باید پاس داشت، حرمت طبوعات است اگر این مهم انجام بگیرد ما می‌توانیم این ادعا را کنیم که مسئولان ما نسبت به وظیفه مطبوعات آگاهی دارند و حمایت می‌کنند مطبوعات به این دلیل که می‌توانند با یک دیدگاه آسیب شناسانه قضایا را مورد بررسی قرار بدهند می‌توانند در استان به عنوان بازوی نظارتی مردم بر حوزهٔ مدیریتی عمل کنند. اینکه ما به هر مسئله‌ای از چه زاویه‌ای نگاه کنیم خیلی مهم است. مطبوعات آسیب‌شناسانه به قضایا نگاه می‌کنند یعنی از اتفاقی که بعداً می‌خواهد بیفتد جلوگیری می‌کنند. واقعاً این خیلی مهم است یک مسئول باید ممنون مطبوعات باشد که نقاط ضعف و نظرات مردم را راجع به مجموعه و حوزه مدیریتی او عنوان می‌کند. ثبات مدیریت در شناخت نقاط ضعف و برطرف کردن نقاط ضعف است برای مطبوعات دارند این خدمت را برای مسئولان انجام می‌دهند. متأسفانه وقتی همه تعریف و تملق می‌کنند، نارضایتیها و گرفتاریها انبوه می‌شود و به یک بحران تبدیل می‌شود. مدیران اگر از انتقاد مطبوعات استقبال کنند می‌توانند مدت مدیریت خودشان را هم افزایش دهند و به شکلهای مختلف فشار نیاورند که مطبوعات نتوانند انتقاد کنند این وضعیت باعث ایجاد بحران در حوزه مدیریتی آن مدیر خواهد شد.

## مرد پیر و دریا



● حسینقلی انگالی
آبادان - دیماه ۱۳۳۴

آندم که سایه‌های تیره و تاریک نیمه شب
بر صحنهٔ حیات جهان گسترده است
در آن زمان که دختر زیبای آسمان
در خوابگاه بستر نور آرمیده است
آندم که عاشقان خرابات مست و منگ
تصویر خویش را به سوی خانه می‌کشند
فارغ ز قید هستی و دنیای ما و من
فریادهای رندی و مستانه می‌کشند
در ژرفنای مدهش و سنگین شامگاه
آنگه که گزمه‌ها ز توی سایه می‌روند
آن وقتهای شب که جوانان تازه کار
در زیر بام دختر همسایه می‌روند
در قلب آبها کرجی بان جان به کف
با بازوان خسته و محنت کشیده‌اش
با قامت شکسته و پشت خمیده‌اش
با دست پینه بسته و راحت ندیده‌اش
پاروی کهنه در دل امواج می‌کشد
تا نرم نرم قایق خود را خزد به پیش
آنقدر این مجادله تکرار می‌کند
تا اینکه خسته گردد و بیخود شود زخویش
قلّاب و طعمه می‌فکند در درون آب
اهل و عیال گرسنه‌اند و در انتظار
با هر تکان خیط عبث شاد می‌شود
شاید که ماهئی شده در دام او مهار
اما چه وحشید در این شام موجها
این حمله و گریز پیاپی برای چیست؟
تندیس او است یکّه و تنها و بی‌سپاه
پس این همه هجوم دمادم برای کیست؟
هر لحظه ماهیان کلان و درشت و ریز
سحور طعمهٔ سر قلّاب می‌شوند
نشنیده‌ای حدیث مرید و مراد را
گرد مراد خود همه طلّاب می‌شوند
امواج کوه پیکر و پرخشم دمبدم
دیوانه‌وار و کف بدهن حمله می‌کنند
گاهی عقب نشسته گهی پیش می‌روند
گوئی برای غرق بلم حیله می‌کنند
در عمق بیکران بیابان تیرگی
طوفان سهمگین و خروشان زند مهیب
ملّاح پیرو قایق بادبان او
گاهی رود فراز و زمانی شود نشیب
بیم و امید در دل او در کشاکشند
امید صید و بیم ز امواج بی‌امان
با این همه در آرزوی اینکه صبحگاه
اهل و عیال را ببرد ماهی ارمغان
غوغای پرهیاهوی دریای خشمگین
راه نجات بسته به صیاد ناتوان
بی اختیار زورق نو همچو پر کاه
افتاده در تلاطم این دام گستران
از خشم موج قایق سرگشته باشتاب
پرتاب می‌شود چو شهابی به آسمان
بعد از یکی دو لحظه زسر غوطه میخورد
در کام دام گسترهٔ موج بی‌عنان
سوسوکنان ز دور چراغان ساحلی
چشمک‌زنان به هم بلم که واژگون شده است
ملاح پیر مرده و وامانده از تلاش
در قعر آبهای خروشان نگون شده است
بر دوش موج پیکرهٔ جاودانگی است
روی لبش شکوفهٔ یک خنده خفته است
در پشت زهر خند فقیرانه‌اش هزار
معنی ز بی‌وفایی دنیا نهفته است



● حمید درختیان
گلهای نودمیده بذر تریم ما
بر باد می‌رویم؟
یا در بهار نیز بر ما بجز خزان
ندیده است
یا ریشه‌هایمان جز زخم گاه نیش گرازان
نبوده است

## من رشد کرده‌ام

● محسن دلواری



من رشد کرده‌ام
رشدی نامأنوس
در باور سبخزارهای ظلم‌آباد
و کوچه‌های تنگ جبری و علیاباد
آنجا که سالهای جوانیم
در زیر سقف فقر
زیر خانه‌های چندلی
همیشه در انتظار
همیشه بی‌قرار
گذشته است
عصرها وقت عبور
از کنار لوله‌های گاز
و انبارهای نفت
مردمانی دیده‌ام
با چشمانی بی‌رمق
و چهره‌های تاسیده
با شکمهای ورم کرده
و خیالی عاصی
که بی‌تفاوت از گرسنگی
کنار قناعتشان
لم داده‌اند
و درانتظا رواقعه
ناخن می‌جویدند
من رشد کرده‌ام
رشدی نامأنوس
آنجا که جاشوان پابرهنه
در غبارهای چوب شیرین
و سنگ سیاه
در خَن‌های کشتی
جان می‌دادند
و اربابان جسور
از لاشه‌های آنان
پلکانی می‌ساختند
برای چیدن سیب سرخ
از درخت آرزوهاشان
آنجا که در مد انقلابی دریا
جاشوان زخمی در خیالشان
با تشاله‌های کاخرین
به سرزمین موعود می‌رفتند
من رشد کرده‌ام
رشدی غریب و نامأنوس

* خَن: انبار کشتی
تشاله: لنج چوبی که در مسیر بندر و بارگیری کشتی تردد می‌کردند

## سفره...

● شهره شهامت



باز دیشب پدرم دیر آمد
کُنج دیوار گِلی
روی زیلوی خدا
باز هم خلوت کرد
سقف هم چکه کنان
شر هماهنگ پدر



خواهرم مویه کنان
رفت در نزد پدر
*
باز هم سفرهٔ ما خالی بود
مادرم باز به دستان پدر می‌نگریست
که پر از پینه ز محصول جو و شالی بود.
مادرم گفت به آهنگ بلند
سفره را پهن کنید!
*
جز دو کف نان لواش



که درون سفره
خودنمائی می‌کرد
کسی نمی‌دید، اما
جایتان خالی بود
یک شکم سیر، محبت خوردیم

## غزل

● محمدرضا باوری پور

همیشه حرف دلم را دقیق می‌دانی
و اولین غزلم را چه خوب می‌خوانی
تمام تجسم نگاهم پر از تمنا بود
برای آنکه بگوئی هنوز می‌مانی
دلم گرفته از این شهر و شرجی و غربت
فدای لحظه‌ای از یک غروب بارانی
چقدر منتظرم من بیا که خسته شدم
سری بزن به گلویم به بغض زندانی
ستاره بود و من و شب که کم کمک می‌رفت
سپیده، ماند و من و اشکهای پنهانی

## شقایقان رود

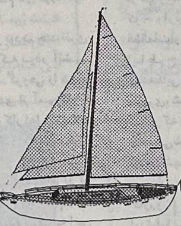
● حمیدضا گشمردی



بر تندر نگاهم
چشمان کبوتری است
آسمان
که زیبائی و طراوت را
از خوشه‌های گندم و
خشم آرزوهایم
دانه تکانده است
من با نیزه‌های تاریک
بر زخم خویشتن زیستم
تا اینچنین
سرخ و روشن
در وزش تازیانه‌ها
بنشینم
چگونه رود را بستایم
زان پیش‌تر که شما را
شقایقان شتابان رود...

## همیشه عاشق

به استاد عزیزم منوچهر آتشی
● بهروز عماری خوئی



در چشمه زلال کلامت
هر سپیده
غبار از سیمای دل برمی‌گیرم
و رنگ خاکستری غمهایم،
رو به آبی می‌نهند
در بیشه‌زار سبز چشمانت
بچه گرگی می‌بینم
در کمین آهوی رمان دل
براستی از کدام محلهٔ عشقی
که چون دهان می‌گشائی
باغ است و باران و
تداعی بهاران

## چند دوبیتی از علی سینا محمدپور - گناوه

دلم چون ماهی افتاده د رتور
فتاده از دماغ و از دل و شور
تو تابوتش کنی رنگین چه حاصل
دمی که می‌رود مرده ته گور!
***
بیا تا زین کنیم اسب سخن را
کنیم تازه دمی روح و بدن را
دلم بگرفته از پائیز، گوئیم
حدیث نوگل و مرغ چمن را
***
تو چون ماهی، دلم دریاست امشب
که طوفانی به دل برپاست امشب
غریو موج دل سینه گشاید
بگیر ماهی که صید اینجاست امشب
***
من از چشمت بلا هرگز نخواهم
به عشقت مبتلا هرگز نخواهم
دلم دارد کنون زنگ فراقت
به شمشیرت جلا هرگز نخواهم!
***
شب آمد وای بر من یار تنهاست
درون سینه‌ام هنگامه برپاست
من اینجا دلبر آنجا چاره‌ای نیست
که هر جا یار باشد عشق آنجاست

## چند پاسخ کوتاه به دوستان شاعر و نویسنده

● منوچهر آتشی

* محمد یارنبری - شما ذوق شاعرانه خوبی دارید اما هنوز زبان خود را پیدا نکرده‌اید. برای این که به زبان شعری برسید، بهتر است با سادگی و بیان طبیعی شروع کنیدتا ناچار نشوید وزنها را شکسته و نارسا به کار بگیرید. منتظر شعرهای ساده‌تر و کوتاه‌تر شما هستیم.

* حسن عمرانی چاهپیری - نوشته شما به گویش محلی خوب بود. به سردبیر دادیم تا اگر موافق بود در صفحه مربوط به شعرها چاپ کند یا صفحه طنز... از شعرهای دیگرتان هم یکی انتخاب کردیم که چاپ شود. کمی موجزتر بنویسید و کوتاه‌تر.

* روزبه معصومی - منتظر شعرهای ساده‌تر و تغزلی‌تری از شما هستیم. استعداد خود را با مطالعه و نوشتن مستمر تربیت کنید تا به زبان شاعرانه برسید. موفق باشید.

* راضیه فرجزاده - نوشته‌های شما حاکی از ذوق خوب شماست، اما باید بدانید که دوران قطعه‌های ادبی و رمانتیک به سر آمده. با مطالعه شعر شاعران برجستهٔ گذشته و معاصر الگوهای خوب شعری را بشناسید و سپس طبع خود را به کار گیرید و شعر و قصه بنویسید.

## دکتر حمیدی، همچنان پرتلاش و فعال

دکتر جعفر حمیدی، استاد دانشگاه و نویسنده پرکار بوشهر کتاب «بوشهر در مطبوعات عصر قاجار» را روانه بازار کتاب خواهد کرد. دکتر حمیدی در این کتاب که احتمالاً تا اواخر بهمن ماه در دسترس عموم قرار خواهد گرفت خبرها و مطالب چاپ شده در روزنامه‌های مظفری، حبل‌المتین و جنوب را مورد کنکاش و بررسی قرار داده است. این کتاب توسط انتشارات تاریخ فرهنگ معاصر به بازار عرضه خواهد شد.

حروف چینی کار گرانبهای «بوشهرنامه» نیز از این نویسنده به اتمام رسیده است. بوشهرنامه کاملترین دائرةالمعارف درباره بوشهر است که در هزار صفحه و با صدها عکس به زودی به زیر چاپ خواهد رفت.

همچنین دکتر حمیدی کار نوشتن کتاب «جانگدازان» را که کاووشی در پیدایش و مضرات مواد مخدر است نیز به اتمام رسانده است. ناشر این اثر ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌باشد.

## احمدزاده و ماشین قیامت

حبیب احمدزاده، نویسندهٔ جوان بوشهری به تازگی کار نوشتن رمان کوتاه «ماشین قیامت» را به اتمام رسانده است، موضوع این داستان درباره دفاع مقدس است.

از احمدزاده قبلاً کتاب «داستانهای شهر جنگی» را دیده‌ایم که از آن استقبال فراوانی صورت گرفت.

قرار است رمان کوتاه «ماشین قیامت» را دفتر ادبیات و هنر و مقاومت حوزه هنری تهران منتشر نماید.

همچنین قرار است در سال آینده بر اساس این رمان و داستانهای کوتاه شهر جنگی، سریال ۱۳ قسمتی در گروه جنگ شبکه اول تهیه شود.

## شریف و سالهای صبر

کتاب داستان «سالهای صبر» از محسن شریف در مراحل نهائی بازنویسی است و قرار است تا قبل از پایان سال این کتاب به ناشر سپرده شود.

کتاب «سالهای صبر» سومین کتاب از محسن شریف، نویسنده بوشهری است. قبلاً دو کتاب «فصلهای تکراری» و «آس نحس» را از او دیده‌ایم.

سبک داستان‌نویسی شریف، سبک سورئالیسم و داستان «سالهای صبر» نیز در این سبک نوشته شده است و حکایت نمادین سه قبیله اهل آدم، اهل جن و اهل پریان در یک قلمرو است.

## بوادی کوچک در کانون فیلم

عصر یکشنبه هفته آینده فیلم «بوادی کوچک» به کارگردانی «برنارد و برتولوچی» در کانون فیلم واقع در اداره تعاون پخش خواهد شد. این فیلم رأس ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه به نمایش درخواهد آمد. در پایان، جلسه نقد و بررسی فیلم اجرا خواهد شد.

# همگام با انقلاب در بوشهر

«خاطرات علیرضا مظفری‌زاده از مبارزات و فعالیتهای سیاسی - مذهبی قبل از انقلاب در بوشهر»

## از زندان شهربانی بوشهر تا زندان عادل آباد شیراز

«قسمت سوم»

دوره زندان انفرادی تمام شده بود. به زودی با زندانیان مأنوس شدیم. شبهای جمعه همراه آنها دعای کمیل می‌خواندیم و بعضی از برادران ما که صدای خوشی داشتند مثل آقای سیمرونی دعا را زیاد آب و تاب می‌دادند به نحوی که برخی از زندان‌بانان به گریه می‌افتادند. پاسبانهای زندان محلی بودند. یکی از آنها می‌گفت اسارت این جوانان مسلمان مرا به یاد اسیری امام زین‌العابدین می‌اندازد. آنها افرادی متدین بودند و برخورد بسیار خوبی داشتند. از جمله کسانی که اسامی آنها را بیاد دارم آقایان احمد خوش‌طینت، محمدی‌باغملائی، ماشاءالله بحرانی و برادران مظفری بودند.

تا اواسط اردیبهشت ۱۳۵۲ در زندان شهربانی بوشهر بودیم. در این موقع تصمیم گرفته شده بود ما را به زندان عادل‌آباد شیراز بفرستند. زندان عادل‌آباد تازه افتتاح شده بود و زندانیان دژ برازجان و نگهبانان آن همه به شیراز انتقال یافته بودند. اینبار برای انتقال ما به شیراز بسیار عادی عمل کردند. دست هر یک از ما را به یک ژاندارم دستبند زدند و همراه یک ژاندارم دیگر به گاراژ آقای زره‌پوش (اتومیهن) بردند. مثل مسافران عادی سوار اتوبوس کردند و همراه با مأمورین ژاندرمری ساعت ۱۰ صبح روانه شیراز نمودند. نزدیک غروب وارد زندان عادل‌آباد شدیم و ما را در بند ۱ زندان که طبقه پائین آن مخصوص زندانیان سیاسی بود جای دادند. وضع زندان در آن زمان که شاه در اوج قدرت بود و به ویژه بعد از برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله سخت بود. در هر سلول بند ۳ تخت سه طبقه فلزی جای داده و در یک اتاق کوچک ۹ نفر با هم به سرمی‌بردند. در تمام طول شبانه‌روز درب نرده‌ای سلول قفل بود و ظرف غذا را از زیر درب به داخل هل می‌دادند. کسی جز نگهبان در راهرو قدم نمی‌زد و موقع دستشوئی یا وضو برای باز کردن درب نگهبان را صدا می‌زدیم. هر چند روز یکبار هم ۲-۳ اتاق برای مدت نیم ساعت در فضای باز زندان آفتاب می‌دیدیم. هنگام اذان مغرب که وقت خواندن نماز مغرب و عشا توسط بچه‌های مسلمان بود، بلندگوی بند را روشن می‌کردند و با صدای بلند ترانه‌های خواننده‌های زن آن زمان را می‌گذاشتند که این هم در واقع خود نوعی شکنجه روحی مضاعف بود. طبقه بالای سر ما دارالتأدیب اطفال و طبقه سوم بند جای زنان بزهکار بود. شبهای شنبه قاضی عسکری می‌آوردند و او برای زنان روضه ابوالفضل می‌خواند.

در بند سیاسی زندانیان توده‌ای مثل حجری، عموئی و کی‌منش، فرخ نگهدار از گروه جزنی با مشی مارکسیستی، زین‌العابدین حقانی، لطف‌الله میثمی و برخی دیگر از اعضاء مجاهدین خلق، مهندس عزت‌الله سحابی از نهضت آزادی، بعضی از روحانیون مانند حائری شیرازی امام جمعه شیراز و برادر بزرگترش، و عده‌ای از یاران هم‌گروه مهندس رجبعلی طاهری مانند حاجی تقاء و جمعی از طلاب جوان که اکثراً اهل شیراز یا شهرهای فارس بودند زندانی بودند. روح مساوات اقتصادی ناشی از تعالیم مارکسیستی تا حدودی بر زندان حاکم بود. بعنوان نمونه با الهام از کمون اولیه مارکس، زندانیان ترتیبی داده بودند که همه میوه‌ها و هدایایی را که ملاقاتی‌های زندانی‌ها می‌آوردند در یک جا روی هم می‌ریختند و بالسویه بین هم تقسیم می‌کردند به نحوی که همه زندانیان سیاسی به یک اندازه از میوه‌ها و سایر مواد خوراکی بهره‌مند می‌شدند. البته برخی از افراد مذهبی که تعصب بیشتری داشتند از جمله یکی از هم‌پرونده‌های ما، رطوبت زندانیان مارکسیست را نجس می‌دانستند و اگر از دست آنها چیزی می‌گرفتند آن را آب می‌کشیدند.

۴ نفر از ۶ نفر ما در یک سلول با هم بودیم و بقیه از سایر زندانیان سیاسی - ۲ نفر از اردیبهشت ۵۲ تا شهریور همان سال بصورت شبانه‌روزی با ما در یک سلول بودند، یکی لطف‌الله میثمی و دیگری زین‌العابدین حقانی - هر دو از اعضاء و کادرهای بالای سازمان مجاهدین خلق که در سال ۵۰ دستگیر شده بودند.

در زندان هیچگونه کاغذ، کتاب، مداد و وسیله یادداشت وجود نداشت. هر از مدتی مأمورین سر زده می‌ریختند و سلولها را بازرسی می‌کردند و اگر از کسی کاغذ یا مداد و نوشته‌ای می‌گرفتند را زیر هشتی (اصطلاح زندانیان برای سالن بزرگ زندان) می‌بردند و شدیداً تنبیه می‌کردند. یکی از همراهان مهندس طاهری را بعد از شکنجه منجر به مرگ در زیر همین هشتی دفن کردند.

حقانی با قرآن کار می‌کرد، تفسیر قرآن با شیوه خاص خودشان. جالب اینجاست که سوره‌هایی برای ما تفسیر می‌کردند که بیشتر در مورد منافقین بود یعنی سوره توبه و سوره محمد(ص) و از آن همه جالبتر اینکه او در سجده‌اش این آیه را از سوره محمد (ص) می‌خواند: ام حسب الذین فی‌قلوبهم مرض ان لن یخرج الله اضغانهم» یعنی کسانی که در دلهاشان بیماری شک و نفاق - است می‌پندارند که خدا کینه‌هاشان را آشکار نخواهد ساخت (هر چند که خواندن آیه قرآن در سجده نماز بنابه فتاوی علماء، مکروه است) و این هم از معجزات قرآن است، گویا سالها قبل از اینکه به آن وضع نفاق بصورت آشکار برسند حالت درونی خود را ناخودآگاه برون فکنی می‌کرده‌اند. چون وسیله نوشتن و یادداشت برداری در دست نبود ناگزیر آنچه را می‌شنیدیم از



بالای قلعه ریشهر - زمستان ۱۳۴۹
آقایان: محمد تقی حسانی، ایرائی، حسین جمشیدی، محمود نهاری، عبداله فاتحی، ابراهیم فقیه، و (شد ) میربهزاد شهریاری در عکس دیده می‌شوند

برمی‌کردیم. لطف‌الله میثمی در آن موقع جوانی سرحال بود. وی مهندس نفت بود و با حنیف‌نژاد یکی از بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق باجناق بود و اطلاع زیادی هم از تاریخ نهضتهای صد ساله اخیر و مخصوصاً دوران دکتر مصدق داشت. این دو نفر در این ۴ ماه به عنوان مأمور این سلول هر کدام در حوزه خود کار می‌کردند.

در تابستان سال ۵۲ در زندان عادل‌آباد شیراز بودیم چند نفری هم از گروههای غیراسلامی از بوشهر آوردند که نوذر آتشی، عبدالرسول جمالی و صفری در بین آنها بودند. گروهی را هم از لار آورده بودند که سیدضیاء موسوی و پولادی از آموزگاران بوشهر با آنها بودند. یک پیرمرد توده‌ای کهنه کار اهل لارستان هم در گروه لاریها بود که اسمش به خاطرم نمانده اما به او محمد کلک (بر وزن فلک) می‌گفتند.

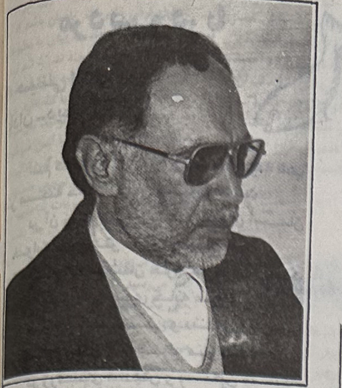
اواخر شهریور ماه به ما خبر دادند که اگر ضمانت بیاورید تا زمان تشکیل دادگاه آزادید. همراه خانواده من مرحوم رضا مرادی از بازاریان متدین با سند خانه‌اش آمده بود. به این ترتیب بعد از گذراندن ۶ ماه حبس موقتاً مرخص شدیم. من چون قبلاً کارمند اداره کشاورزی بودم به آنجا مراجعه کردم ولی از ادامه کارم مانع شدند. در زمستان ۵۲ به شرکت صنایع دریایی که آن روزها توسط آمریکائیها اداره می‌شد رفتم و چون آشنایی به زبان انگلیسی داشتم به عنوان کارمند حسابداری پذیرفته شدم. نزدیک یکسال در آن شرکت کار کردم ولی مرتباً از ساواک می‌آمدند و از وضع کارم می‌پرسیدند. آنها ارتباط ما را مخصوصاً با آقای فاتحی زیر نظر داشتند. به هر حال محاکمه ما در دادگاه نظامی شیراز در اردیبهشت ۵۳ تشکیل شد. وکیل تسخیری ما چند نفری که هم پرونده بودیم (غیر از آقای جمشیدی) یک افسر ارشد بازنشسته بنام تیمسار همایون بودو پس از دادگاه بدوی رأی دادگاه تجدید نظر هم صادر شد. ودر نتیجه از ۶ نفر ما یک نفر تبرئه شد. جمشیدی به یکسال زندان و ۴ نفر دیگر به ۶ ماه محکوم شدند. ما ۳ - ۴ نفر دوره زندان را کشیده بودیم ولی جمشیدی برای گذراندن ۶ ماه دیگر دوباره به زندان رفت.

در سال ۱۳۵۴ مجدداً به تجارتخانه خانم نصرت‌زمان دشتی بازگشتم. او در اداره امور تجارتخانه به من مسئولیت داد. در این دوره نمایندگی کشتی‌رانی ملی آریا را هم گرفته بودند. ارتباط من با دوستان قطع نشده بود ولی قدری پیچیده‌تر صورت می‌گرفت.

در اینسالها آقای فاتحی به دانشگاه راه یافته بودو در حد وسعش آخرین کتابهای جدید و اعلامیه‌ها را می‌فرستاد که برخی بصورت عادی مثلاً از طریق کتابفروشی مرحوم دروئی و بعضی بصورت غیرعلنی توزیع می‌شدند. گرچه در این دوره تشکیلات مرتب و منظمی مثل دوره قبل نداشتیم ولی دوستان بیشتری پیدا کرده و ارتباطات بادقت و احتیاط انجام می‌شد. با تأثیرپذیری از مطالعات و تماسها و جلسات مخصوصاً مطالعه کتاب ولایت فقیه (یا طرح اولیه تشکیل حکومت اسلامی) به فکر تأسیس هسته‌هایی کوچک از تشکلهای اسلامی بودیم. کتاب شهید مطهری، شهید بهشتی، گلزاده غفوری و نوشته‌هایی از شیخ علی تهرانی که در آن زمان یعنی فاصله سالهای ۵۳ تا ۵۶ مرتب چاپ می‌شد به ما کمک می‌کرد. . عصرهای جمعه با دوستان به بیرون شهر می‌رفتیم و نقشه ایجاد یک جامعه کوچک توحیدی بین خودمان را تهیه می‌کردیم. آقای باقری‌نژادیان (اهل کازرون) و از اعضاء سازمان مجاهدین خلق که بعد از تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۵۳ از اسلام به مارکسیسم توانسته بود مقاومت کرده و در اسلام ثابت قدم بماند بعد از تحمل سالها حبس از زندان مشهد آزاد شده بود و از طریق ارتباطاتی که با کازرون داشتیم به بوشهر می‌آمد و از تجربه‌هایش استفاده می‌کردیم.

لازم است یادآور شوم که فضای پلیسی و خفقان‌آوری که ساواک شاه در کشور ایجاد کرده بود باعث می‌شد که افراد به سختی به هم اعتماد کنند. قطعاً همزمان با ما در بوشهر افراد و یا گروههای دیگری نیز فعالیت می‌کردند که به علت فضای حاکم بر جامعه امکان ارتباط با آنها میسر نبوده و شاید بر اثر احتیاط و دقت بیشتر از تعرض ساواک مصون مانده‌اند. به هر حال افراد دیگری هم اعم از مذهبی یا غیرمذهبی در آن ایام توسط ساواک گرفتار شده و مورد آزار قرار گرفته‌اند که شاید نیازی به ذکر اسامی آنها نباشد.

ساواک اینقدر در بین مردم بدنام و منفور بود که خودش هم باورش شده بود زیرا یکی از شگردهایش برای جلب همکاری



فرد بازداشت شده این بود که اگر همکاری نکند، در بین مردم شایع می‌کند که او با ساواک همکاری دارد!

از آن طرف آقای فاتحی با عده‌ای از دوستان دانشجو با هم در یک منزل در تهران نو فعالیت می‌کردند. هرازگاهی به منزلشان می‌رفتم و در جریان بیشتر مسائل قرار می‌گرفتم.

در سال ۱۳۵۶ با روی کار آمدن جیمی کارتر در آمریکا بعنوان رئیس جمهور از حزب دمکرات و تأثیر آن بر کشورهای جهان سوم از جمله ایران، آن جوّ خفقان و ارعاب تا حدی شکسته شد بود. طرح حقوق بشر کارتر که از شعارهای دوره انتخاباتی او بود به شاه فشار می‌آورد که از فشار موجود بکاهد تا بتواند برای مدت بیشتر دوام بیاورد. درنتیجه جلسات و تظاهرات علنی دانشجوئی در اعتراض به حکومت شاه با لحن ملایم برپا شد و کسانی مثل مهندس بازرگان در شهریور ۵۶ در تهران و در صحن حضرت عبدالعظیم توانستند سخنرانی اعتراض‌آمیز انجام دهند. دانشگاه‌ها زودتر از بقیه جاها بسیار خفیفی از آزادی را که وزیدن گرفته بود احساس کردند. و در سایر جاها حتی حوزه‌های علمیه هنوز حالت احساس ترس و خفقان وجود داشت. بعنوان نمونه در اواخر مهر سال ۵۶ که به قم رفته بودم نماز مغرب و عشاء را در مسجد اعظم خواندم. بعد از نماز یکی از آقایان روحانی به نمازگزاران اعلام کرد که فردا به مناسبت درگذشت فرزند یکی از علماء مجلس ترحیمی در همین مکان برگزار می‌شود اما از کسی اسم نبرد. از روحانی بغل دستم پرسیدم چه کسی درگذشته است؟ آهسته گفت: سیدمصطفی فرزند آیت‌الله خمینی. وقتی نماز تمام شد ۱۰ - ۱۵ نفر طلبه جوان در داخل مسجد زیر گنبد تجمع کرده و آهسته با هم صحبت می‌کردند. ناگهان یکی از آنان فریاد زد درود بر خمینی و بقیه با هم بلندگفتند درود بر خمینی و بسرعت از مسجد خارج شدند به نحوی که حتی کفش و دمپائی بعضیها باقی مانده بود. گرچه فردای آنروز در مجلس ترحیم، بعضی از علمایی که دل و جرأت بیشتری داشتند مثل آقای خلخالی بالای منبر سخنرانی کرده و از امام تجلیل نمودند. آقای فاتحی و من غالباً تابستانها به قم می‌رفتیم سری به مدرسه علمیه رسالت به مدیریت حجت‌الاسلام میزا ابراهیم دشتی می‌زدیم. گاهی هم شبها در حجره‌های برخی دوستان طلبه در مدرسه حجتیه به سر می‌بردیم و از نان و انگور یا نان و تخم‌مرغ طلبگی استفاده می‌کردیم. دو تا از دوستان ما از طلبه‌های روشن و فعال در قم بودند که معمولاً آخرین اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها را همیشه همراه داشتند.

در صبح روز دوم آبان ۵۶ از قم عازم تهران شدم تا طبق معمول در جمع دوستان دانشجو در تهران شرکت کنم اما متأسفانه منطقه در محاصره ساواک قرار گرفته بود. در یک روز همه را دستگیر کرده و به کمیته مشترک ضدخرابکاری بردند. کسانی که در این بازداشت هم پرونده شدیم: عبدالله فاتحی و عبدا... منصوری از بوشهر، قاسم آیتی از نجف آباد و مهدی دعوی... (فرزند آیت الله محمدی‌گیلانی). هر یک از ما را در سلول... انفرادی جای دادند وبازجوئی‌های سخت اکثراً هم در نیمه... شب شروع شد. سلولهای کوچک و نیمه تاریک بود بطوری... تشخیص روز و شب در آنها مشکل بود. بعد از بازداشت من... توجه به سابقه قبلی‌ام محل سکونتم در بوشهر را نیز بازدید کر... و چیزهایی بدست آورده بودند از جمله مجموعه ۲ ... سرگشاده ۲۰۰ صفحه‌ای عبرت‌آموز از علی‌اص... حاج سیدجوادی خطاب به هویدا نخست‌وزیر و معینیان رئیس دفتر مخصوص شاه در مورد انتقاد از اوضاع سیاسی، اجتماعی... اقتصادی آن روزگار.



## اطلاعیه

پیرو اطلاعیه مندرج در صفحه ۳ شماره بیست چهارم، یکشنبه ششم دی ماه سال ۱۳۷۷ هفته‌نامه نسیم‌جنوب درخصوص تشکیل اولین مجمع عمومی کانون بازنشستگان کشوری استان بوشهر، به اطلاع کلیه بازنشستگان عضو کانون می‌رساند عده حاضر در روز ۷۷/۱۰/۳۰ به حد نصاب تشکیل مجمع نرسید و لذا به استناد مادهٔ ۱۳ اساسنامه کانون، جلسه مجمع به ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۳۷۷/۱۱/۱۶ واقع در سالن اجتماعات شهید باهنر چهار راه دبیرستان سعادت موکول گردید. لذا از برادران و خواهران عضو کانون استدعا دارد در ساعت یاد شده جهت تشکیل مجمع حضور به هم رسانید.

دستور جلسه

۱- گزارش عملکرد کانون. ۲- انتخاب هیئت مدیره و بازرسان کانون. ۳- توضیح و شرح موادی از اساسنامه کانون

حسن دشتی
سرپرست کانون بازنشستگان کشوری استان بوشهر
نشانی: خیابان شهید مطهری - روبروی جایگاه بنزین، طبقه دوم (محل همیاری سابق شهرداریها) کانون بازنشستگان کشوری استان بوشهر تلفن: ۴۹۳۰۰

## سرمربی تیم بیس بال استان بوشهر:
# بوشهر میزبان اولین دوره مسابقات باشگاهی کشوری بیس‌بال

۲۴ بهمن ماه بوشهر میزبانی مسابقات باشگاهی بیس‌بال کشوری می‌باشد. به همین منظور با سرمربی تیم بیس بال استان بوشهر مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

□ با سلام و خسته نباشید، لطفاً درابتدا خود را معرفی نمائید و سوابق ورزشی خود و همراهی با تیم بیس‌بال را بفرمائید.

● امید فرهی هستم متولد ۱۳۴۹ بوشهر کارمند مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه آزاد که افتخار مربیگری تیم بیس‌بال باشگاه ورزشی نادری امامزاده و منتخب استان بوشهر را دارم. تیم بیس‌بال استان بوشهر از سال ۱۳۷۶ رسماً شروع به کار کرد و باشگاه ورزشی نادری نیز از مهرماه ۷۷ اقدام به تشکیل یک تیم بیس‌بال در سطح استان نمود. بنده دوره مربی‌گری بیس‌بال را آبان ۷۶ جهت اخذ کارت درجه سه در استان سمنان گذرانیده و در آذرماه سال جاری نیز یک دوره توجیهی با حضور و استادی مربیان ایتالیائی را گذارنیده‌ام.

□ مسابقاتی را که در پیش دارید چندمین دوره می‌باشد؟

● این اولین دوره مسابقات باشگاهی کشوری بیس‌بال می‌باشد که بوشهر افتخار میزبانی آن را بعهده دارد.

□ تیم منتخب استان تاکنون به چه مقاماتی دست یافته است؟

● تیم منتخب استان تاکنون در دو دوره از مسابقات قهرمانی کشوری بیس‌بال شرکت نموده با توجه به اینکه تیم منتخب بوشهر سال گذشته در اولین دوره شرکت نموده بود به دلیل عدم آگاهی از قوانین که این خود معلول اطلاع رسانی ناقص دست‌اندرکاران بیس‌بال کشور بود، نتوانست جایگاه مناسبی در بین تیمهای استانی کشور کسب نماید ولی با شرکت در دومین دوره مسابقات و انجام تمرینهای مستمر و آگاهیهای لازم که به سمع و نظر بازیکنان تیم رسیده بود و همچنین کسب تجربه در سال قبل توانست در تهران مقام نائب قهرمانی کشور را بدست آورد.

□ تفاوت تیم باشگاه نادری و تیم منتخب استان در چه می‌باشد؟

● این دو تیم هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند بجز اینکه تیم منتخب استان که هم اکنون در قالب یک تیم باشگاهی مشغول به فعالیت است تعداد نفرات تیمی خود را افزایش داده تا بتواند از کلیه آنها جهت ساختن یک تیم قوی و مناسب برای حضور چشمگیرتر در مسابقات قهرمانی سال آینده استفاده نماید.

□ چرا باشگاههای دیگر استان به تشکیل تیم بیس‌بال اقدام نمی‌نمایند تا با تشکیل تیمهای مختلف و انجام لیگ داخلی تیمی قویتر در استان فعالیت نماید؟

● به دلیل پیچیدگی و همچنین نوپائی ورزش بیس‌بال در کشور هر تیم بیس‌بال نیاز به یک سرمربی و حداقل ۲ مربی تکنیک و استراتژی و یک مربی آموزش حرکتی و یک مربی دیگر جهت تدریس تئوری و قوانین و همچنین یک مربی جهت آموزش داوری بیس‌بال نیاز دارد.

□ آیا در خصوص جذب علاقمندان در دیگر شهرستانها یا نقاط دیگر استان اقدامی انجام شده و چه تبلیغاتی صورت گرفته و آیا در مطبوعات یا تلویزیون در این خصوص صحبتی انجام گردیده است؟

● بله، امسال پس از بازگشت از سومین دوره مسابقات قهرمانی کشوری صدا و سیمای مرکز بوشهر و همچنین هفته‌نامه نسیم‌جنوب و آینه‌جنوب مبادرت به درج خبر در این خصوص کردند.

□ در آخر لطف بفرمائید درخصوص جذابیت این ورزش در جهان و خصوصیات لازم یک ورزشکار بیس‌بال اگر سخنی دیگر نیز دارید بفرمائید.

● با توجه به اینکه ورزش بیس‌بال از نظر مدت طولانی‌ترین ورزش و از نظر تفریح ورزش بسیار مفرحی می‌باشد و همچنین طبق اطلاعات اینجانب، گرانترین انتقال بازیکن ورزش و همچنین حراج وسایل ورزشی در این رشته ورزشی اتفاق افتاده است که خود نمایانگر ارزش و اعتبار و جذابیت آن در سطح بین‌المللی می‌باشد. یک ورزشکار بیس‌بال نیاز به دقت کامل، حواس جمع، خونسردی و انجام صحیح حرکات را دارد.

در سخن آخر از هفته‌نامه محترم نسیم‌جنوب سپاسگزارم و از مسئولان تربیت‌بدنی استان خواستارم جهت رفع مشکلات و همچنین ایجاد امکانات در سطح مناسب برای کلیه ورزشکاران استان تا آنجا که می‌توانند دریغ نورزند.

# وداع شاهین از لیگ دسته دوم کشور

تیم شاهین جمعه گذشته در ورزشگاه شهید بهشتی به دیدار تیم فتح سپاه تهران رفت که در نهایت این بازی با نتیجهٔ یک بر یک خاتمه یافت. با این نتیجه تیم شاهین به مسابقات زیرگروه سقوط کرد تا برگی بر برگهای شکست فوتبال این سامان بیفزاید.

البته نباید این را از نظر دور داشت‌که این تیم در این بازی تمامی تلاش خود را به کار بست و در برابر تیم فتح سپاه تهران بازی خوبی از خود ارائه داد.

در دقایق اول این بازی هر دو تیم به محک زدن یکدیگر پرداختند اما اینکار با آغاز حملات تیم شاهین زیاد به طول نیانجامید.

گلهای این دیدار هر دو در نیمه دوم زده شد. گل اول در دقیقهٔ ۵۳ برای تیم فتح سپاه تهران به وسیلهٔ شمارهٔ ۱۰ این تیم رضائی کمال با ضربه سر به ثمر رسید. بعد از این گل تیم فتح سپاه با کارهای حاشیه‌ای سعی در حفظ امتیاز داشت که این کار با حملات پیاپی تیم شاهین بی‌نتیجه ماند تا اینکه خطایی بر روی حسین دشتی در محوطهٔ هیجده قدم و در دقیقهٔ ۹۰ بازی صورت گرفت که ثمر این خطا یک گل برای شاهین بود. زنندهٔ این پنالتی محمدمحمدی باغملائی بازیکن شماره ۸ این تیم بود که در جهت خلاف دروازه‌بان توپ خود را به گل تبدیل کرد.

در این بازی ۴ نفر از بازیکنان تیم فتح تهران کارت زرد از داور دریافت نمودند، در این بازی چندین بار یاران شاهین بوسیلهٔ محمد ایروانچی و داریوش کامیاب صاحب موقعیت گل شدند که با بی‌دقتی به هدر رفت. لازم به ذکر است که این بازی در دقایق آخر به وسیلهٔ رفتارهای ناپسند مسئولین تیم فتح سپاه در اعتراض به قضاوت داور به خشونت گرائید که به علت حضور مأمورین انتظامات استادیوم، این اعتراضات بی‌نتیجه ماند.

# تیم والیبال شهرداری فاتح مسابقات شهرستان بوشهر

دیدار پایانی مسابقات والیبال باشگاههای شهرستان بوشهر روز یکشنبه چهارم بهمن در محل سالن شهید صدوقی بوشهر برگزار شد و در آخرین دیدار تیم شهرداری بوشهر با نتیجهٔ ۲ بر یک بر تیم دانشگاه آزاد اسلامی پیروز و به مقام اول این دوره از رقابتها دست یافت و به ترتیب تیمهای ملوان نیروی دریائی و دانشگاه آزاد اسلامی مکانهای دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. لازم به ذکر است این دوره از بازیها با شرکت شش تیم شهرداری، ملوان، جم، بندروکشتیرانی، دانشگاه آزاد و ندسا بصورت دوره‌ای برگزار گردید.

## شاهین می‌توانست بهتر باشد اگر...

● اسماعیل فولادی

گرچه نتیجه مساوی شاهین بوشهر در برابر فتح سپاه تهران، باعث سقوط این تیم به زیرگروه شد ولی با اندکی تلاش بیشتر این تیم می‌توانست در بازیهای قبل، نتایج بهتری گرفته و از سقوط خود جلوگیری نماید.

در هر صورت تیم شاهین که یکی از تیمهای محبوب شهر بوشهر است بار دیگر فرصت را ازدست داد و به زیرگروه سقوط کرد، اما تماشاگران این تیم از مدیران شاهین انتظار دارند که از هم اکنون به فکر چاره بوده و با رفع کردن نقطه ضعفهای و تقویت و آماده‌سازی تیم، تلاش نمایند تا بار دیگر این تیم روزهای موفقیت‌آمیزی را پیش روی خود ببینند. مسئولین تربیت‌بدنی و استان نیز باید به یاری مدیران این تیم بشتابند و با کمکهای خود، سعی کنند تا مشکلات این تیم قدیمی بوشهر رفع گردد.

## انتصاب رئیس جدید هیئت ژیمناستیک

طی حکمی از طرف مدیر کل تربیت‌بدنی استان بوشهر، نادر معینی، مدیر عامل جمعیت هلال احمر بوشهر به ریاست هیئت ژیمناستیک استان منصوب شد. همچنین طی حکمی دیگر، کمال صالح‌احمدی به سمت رئیس اداره نظارت و امور فنی منصوب شد.

## فوتبال ناشنوایان بوشهر در مسابقات قهرمانی کشوری

تیم فوتبال ناشنوایان استان بوشهر در چهارمین دوره مسابقات فوتبال سالنی قهرمانی ناشنوایان کشور شرکت می‌کند.

به گزارش روابط عمومی تربیت‌بدنی، تیم فوتبال ناشنوایان کشور از ۱۵ لغایت ۲۱ بهمن ماه در این دوره از بازیها که در شهرستان دزفول برگزار می‌شود، شرکت می‌نماید.

# انتخابات هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی بوشهر برگزار شد

با یاری خداوند متعال و در اجرای بندهای ۷ و ۸ دستورالعمل اجرائی برگزاری انتخابات، چهارمین دوره انتخابات هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بندر بوشهر روز یکشنبه مورخ ۷۷/۱۱/۴ در محل اتاق بازرگانی بوشهر از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر با استقبال کم‌نظیر اعضاء محترم اتاق برگزارگردید، پس از پایان مهلت اخذ رای کلیه آراء ریخته شده در صندوق شمارش شد که از مجموع ۳۲۸ برگ آراء مأخوذه هر کدام از داوطلبین عضویت در هیئت نمایندگان دارای آراء بشرح زیر بودند:

الف ـ بخش بازرگانی

۱ـ آقای مختار قاسمی ۲۸۹ رأی
۲ـ آقای علی علائی ۲۴۵ رأی
۳ـ آقای عبدالحسین باباخانی ۱۶۴ رأی
۴ـ آقای الله‌کرم خلیجی ۱۵۲ رأی
۵ـ عبدالحسین حیدری ۱۵۱ رای
۶ـ آقای عبدالمحمد زنگوئی ۱۲۵ رأی
۷ـ آقای محمد نبی عباسی ۱۰۵ رأی
۸ـ آقای عباس مبارکی ۱۰۴ رأی
۹ـ آقای حسین قادریانی جمالی ۷۸ رأی
۱۰ـ آقای ابوالقاسم ایرانی ۷۷ رأی
۱۱ـ آقای محمدرضا ایرانی ۷۴ رأی
۱۲ـ آقای عبدالرسول وفاپور فرزند احمد ۶۸ رأی
۱۳ـ آقای حسین خسروزاده ۵۶ رأی
۱۴ـ آقای محمدرضا جفره ۵۶ رأی
۱۵ـ آقای حسین آذرشب ۵۵ رأی
۱۶ـ آقای سیدمحمد حسین مهیمنی موسوی ۵۴ رأی
۱۷ـ آقای ظهراب علائی ۵۴ رأی
۱۸ـ آقای عبدالرسول وفاپور فرزند علی ۵۳ رأی
۱۹ـ آقای مسعود نعمتی ۳۸ رأی
۲۰ـ آقای عباسعلی فرح‌زاده ۳۶ رأی
۲۱ـ آقای محمد آرمات ۲۰ رأی
۲۲ـ آقای بهمن ترناس ۱۸ رأی

ب ـ بخش صنعت

۱ـ آقای حسین هادی‌پور ۱۴۸ رأی
۲ـ آقای محمدحسین ارغوان ۱۳۰ رأی
۳ـ آقای عبدالزهرا وطندوست ۱۱۳ رأی
۴ـ آقای مرتضی کاظمی ۸۳ رأی
۵ـ آقای فریدون شیخ‌الاسلامی ۶۷ رأی
۶ـ آقای سعید احمدی جزنی ۵۳ رأی
۷ـ آقای سیدحسن فرحی بزرگ ۵۱ رأی
۸ـ آقای رئوف حریری ۱۲ رأی
۹ـ آقای سیدجعفر حسینی‌ناظر ۱۱ رأی
۱۰ـ آقای محمدکاظم زرین‌قلم ۵ رأی
۱۱ـ آقای بهرام عبدالغفاری ۲ رأی
۱۲ـ آقای احمد الشیبی ۱ رأی

که در نتیجه از بخش بازرگانی آقایان: مختار قاسمی، علی علائی، عبدالحسین باباخانی، الله کرم خلیجی، عبدالحسین حیدری، عبدالمحمد زنگوئی، محمدنبی عباسی، عباس مبارکی و حسین قادریانی جمالی و از بخش صنعت آقایان: حسین هادی‌پور، محمدحسین ارغوان، عبدالزهرا وطندوست، مرتضی کاظمی، فریدون شیخ‌الاسلامی و سعید احمدی جزنی حائزین اکثریت آراء بوده و بعنوان اعضاء هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بندر بوشهر برای مدت چهار سال انتخاب شدند.

«هیئت نمایندگی نظارت بر انتخابات اتاق بازرگانی و صنایع و معدن بندر بوشهر»

# چند ابهام درباره برپائی نمایشگاه بوشهر در قطر

برپائی نمایشگاه ایران در قطر که به عهده استان بوشهر واگذار شده بود و در روزهای گذشته در کشور قطر افتتاح گردید، ضمن اینکه خبر خوشحال کننده‌ای برای توسعه صادرات و مبادلات مرزی است، اما دارای نکات ابهام آمیزی نیز است.

در هیئت ۴۰ نفره‌ای که از استان بوشهر با هواپیمائی آسمان به قطر مسافرت نمودند، حدود ۲۰ نفر (نیمی از هیئت) را افراد خارج از استان تشکیل می‌دادند. در میان این عده افرادی که هیچ ربطی به این نمایشگاه نداشته‌اند نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد سفر آنان هیچ نفعی برای مبادلات بوشهر - قطر نداشته باشد. آیا بهتر نبود بجای استاندار گیلان و یا فارس که ارتباطی به مبادله مرزی بوشهر و قطر ندارند، چند مسئول از استان بوشهر به این سفر می‌رفتند. آیا بهتر نبود به جای افراد بسیاری از وزارت کشور که با هیئت بوشهر به قطر رفته‌اند، مدیرانی همانند تعاون، صنایع دستی، بازارچه مرزی، کشاورزی، معدن، و یا فرمانداران شهرستانهای ساحلی استان، در لیست مسافرین به قطر جای می‌گرفتند که در نتیجه نقش مؤثری در مبادلات مرزی بوشهر - قطر دارند.

از سوئی با توجه به بررسی لایحه بودجه ۷۸ که اکنون در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی و تصویب است و نمایندگان با دقت در بررسی و تصویب آن و گرفتن سهم بیشتری از بودجه در جهت توسعه استان خود تلاش می‌کنند، سفر سه نماینده استان در مجلس به قطر چه ضرورتی داشته است؟ ضمن اینکه هنوز فراموش نکرده‌ایم که یکی از این نمایندگان نیز در سال قبل و درست در هنگام بررسی و تصویب بودجه در سفر زیادتی مکه بسر می‌برد. آیا بهتر نبود که این نمایندگان گرامی در همین چند روز نیز تمام توان خود را در جهت بررسی بودجه و گرفتن سهم اندکی از آن برای بخشهای مختلف استان بوشهر بکار می‌بردند.

از زمان تصویب مبادله تجاری بوشهر - قطر در سالهای گذشته متأسفانه هیچگونه سودی را برای این استان ندیده‌ایم و هیچ مشکلی از انبوه مشکلات این استان محروم حل نشده و به نظر می‌رسد که جز سفرهای مسئولین و سفرهای تفریحی - شکاری مسئولین قطری، حاصلی دربرنداشته است. جا دارد که استاندار محترم بوشهر هم اکنون نتایج اینگونه مبادلات و رفت‌وآمدهای دو طرفه را اعلام نموده و اقدامات انجام شده در این رابطه را به اطلاع همه برساند. همچنین از ایشان انتظار می‌رود که در اینگونه مسافرتها که سفرهای اداری است به نیروهای استان توجه کند و یک هیئت اداری و کارشناسانه به این سفرها رهسپار شوند.

«امضاء محفوظ»

# ضرورت بازنگری در مدیریت‌های سیاسی استان بوشهر

● محمود هاشمی - دیلم

یکی از شعارهای محترم ریاست جمهوری بحث شایسته سالاری در عرصه‌های مدیریت است. و اگر این مهم بطور کامل به منصه ظهور برسد در اکثر صحنه‌ها موفق خواهیم بود. باید کلیه مدیران دولتی در سراسر کشور به عنوان مصادیق بارز شعار شایسته سالاری جناب آقای خاتمی دانست. واقعاً انحراف و ضعف هر یک از مدیران دولتی در مراکز استانها و شهرستانها از چشم تیزبین مردم دور نخواهند ماند. انتقاد سازنده از سیاستهای غلط بعضی از مدیران نبایستی به عنوان تضعیف آنها بلکه باید به عنوان خیرخواهی و اصلاح امور قلمداد کرد. با کمال تأسف بعضاً می‌خواهند این رویه ناپسند که «انتقاد باعث تضعیف مدیران دولت می‌شود» را در جامعه جا بیاندازند که ادامه این روند باعث ظاهرسازی و درنتیجه عدم شناسائی عیوب و ضعفهای اصلی پیشرفت امور میشود. بارها در نشریات محلی استان از بی‌توجهی و انحصارطلبی انتصاب افراد ضعیف سخنها گفته شده است ولی متاسفانه به این نصایح دلسوزانه هیچ وقعی نهاده نشده است. جناب استاندار محترم بوشهر که از افراد شایسته و دلسوز و خیرخواه و منطقی در بین مدیران در سطح کشور محسوب می‌گردد و انصافاً در سطح استان بوشهر کارهای اساسی و زیربنائی خوبی در حال انجام است و تا آنجایی که سراغ داریم ایشان نفوذ خوبی در هیئت دولت دارد که قطعاً به نفع استان خواهد بود که از زحمات ایشان کاملاً تشکر و قدردانی بعمل می‌آید. و مردم استان بوشهر هم به غیر از این از استاندار انتظار نخواهند داشت. بحث مدیریت در استان می‌بایست مورد تجدید نظر قرار گیرد. نمایندگان سیاسی دولت در استان و شهرستانها بعنوان عالیترین مقام مدیریت محسوب می‌گردند ومعمولاً در صورت بروز مشکلات از طرف هر یک از ادارات به این افراد مراجعه می‌نمایند و خواهان اصلاح امور می‌شوند و درصورت انتصاب افراد ضعیف در این لیستها حساس باعث سردرگمی و ناراحتی مردم می‌شود. تفویض اختیار به حوزه‌های مختلف استانداری از طرف جناب استاندار کار بسیار پسندیده‌ای است و پیگیری کارهای کلان در استان از طرف شخص استاندار در مرکز لازم و ضروری است ولی در صورت مشخص شدن ضعف هر کدام از حوزه‌های استانداری می‌بایست بدون درنظر گرفتن مصلحت افراد برخورد شود. معاونت سیاسی استانداری به مرور زمان نشان داده است که در مواردی در انتصاب افراد، شایسته سالاری را در نظر نگرفته است و بعضاً دچار اشتباه فاحش شده که یکی از مصادیق عینی آن که بر همگان نمایان است انتصاب چندماهه یک فرماندار و تغییر آن است که چیزی به غیر از بی‌توجهی به معیارها و شایستگی‌ها نیست و قطعاً معاون سیاسی استاندار می‌بایست پاسخ منطقی برای این موضوع جهت ارائه به مردم داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که از طرف استاندار بر مدیریت شهرستانها، یک مطالعه دیگری انجام شود تا انتقاداتی که در گوشه وکنار در حال انجام است فروکش گردد. ضمن تشکر و سپاسگذاری از استاندار محبوب و فهیم بوشهر، آرزوی توفیق و سربلندی ایشان را از خداوند تبارک و تعالی مسئلت داریم.

# در حاشیه گردهمائی بوشهریان مقیم تهران

● رحیم جمالی - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

در هوای بارانی و سرد تهران در حالیکه قسمتهای بالای شهر را برفی ضخیم در برگرفته بود خیابان شلوغ و پر از ازدحام شهر را بسوی خیابان سهروردی میعادگاه بوشهریان مقیم مرکز ترک می‌کردیم. مراسم هنوز شروع نشده بود و دعوت شدگان یکایک از راه می‌رسیدند با شال وکلاه و پالتو و چیزی که در دیار خود با آن میانه‌ای نداشته‌اند. در میان حضار حضور دکتر چوبک، مهرسای، حمیدی، کازرونی، مشفقیان و ... برجسته‌تر بود. اصحاب فرهنگ و اندیشه بوشهر و خیلی کسانی دیگر که دلهاشان از عشق به سرزمین مادری می‌تپد. خیلی‌هایشان مدتها آرزوی دیدارشان را داشتم و فقط از دور می‌شناختمشان، کسانی که نام بوشهر را در دانشگاههای بزرگ اینجا، بلندآوازه نموده‌اند. فضای سالن متراکم بود از عطردریا، شرجی و خرما و قیافه‌های صمیمی و دوست داشتنی که هر کدام را تا بوشهر با شکوه در این هوای مه گرفته پیش می‌برد. انسانهایی بزرگی را در جمع داشتیم. ترجیح دادم بعنوان یک دانشجو گوشه‌ای عزلت نشسته و دفتر یادداشتم را بردارم و از صحبتهای شیرینی که در جمع می‌شد یادداشت بردارم. قبل از همه دکتر حمیدی لب به سخن گشود یار همیشگی بوشهر. با وجود سالها اقامت در تهران اولین بار دکتر حمیدی را می‌دیدم و چقدر خوش آمدگوی او به غایت صمیمی بود. سپس نوبت به دکتر چوبک رسید با آن قیافه دوست‌داشتنی که بعد از سالها دوری از بوشهر چقدر بوشهری باقی مانده بود. من در صلابت گفتار او مدام تنگسیر را پیش رو داشتم. او از شهر بوشهر بعنوان شهر مقدس نام برد و مردم دریا نشین را صاحب فرهنگ متعالی دانست که پستی و دنائت مردم کوهستان را ندارند و دریا را معلمین تاریخ بشر دانست با جزر و مد و ژرفای بی‌کرانگی. او بوشهر را شهر سینه‌زدن، شهر گریه و شهر پیوسته عزا نامید و در ادامه سخنان استاد چوبک، و دکتر حمیدی دلیل محرومیت و ماتم‌سرایی پیوسته بوشهر را در سه مورد خلاصه نمود: ۱- بی‌عنایتی دولتهای گذشته. ۲- هجوم بیگانگان ۳- بی‌عنایتی طبیعت

و چه لذت‌بخش بود سخنان آن دو فرزانه بوشهری آنچه از بوشهر حکایت می‌کردند و ما صاحب چه تاریخ عظیمی هستیم و چقدر همچنان در بین سایر هموطنان غریبه‌ایم و چقدر برایم همچنان تأسف‌برانگیز است گفته استاد ... که با استناد به سفرنامه لردکرزن سفیر کبیر انگلستان بوشهر را شهری بی‌تاریخ لقب داد و تنها مانده در انتهای جهان، بوشهر را از عزلت محرومیت بیرون کشیم و برای آبادانی و بازآفرینی بوشهر از هیچ کوششی فروگذار نکنیم دشتها تفتیده و تشنه و نخلهای استوار بوشهر و مردم دریایی آن را از یاد نبریم.

# شوراهای شهر و روستا و ضرورت تشکیل آن

● عسکر زارعی - دانشجوی علوم سیاسی

مشارکت و حضور مردم در سرنوشت خود، افزایش و تعدد نهادهای سیاسی را در جامعه طلب می‌کند. تشکیل شوراهای شهر یکی از راهکارهای مشارکت مردم و ازدیاد نهادهای سیاسی در جامعه است، در زمان حاضر مردم ما انتظار دارند تمامی نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی خود را از طریق دستگاه سیاسی - دولتی مرتفع سازند، در حالیکه این دستگاه به تنهائی دربرآورده نمودن نیازها، توانایی چندانی ندارد. پس با تقسیم و توزیع مناسب کار و قدرت می‌توان در پیشبرد اهداف دستگاه سیاسی - دولتی همگام شد.

درست است که ما دارای ایدئولوژی خوب و فرهنگی پویا هستیم، اما تاکنون دارای ساختاری کارآمد نبوده‌ایم، اما اگر ساختارها مردمی شوند (خصوصاً با ایجاد شوراهای شهر) به نحو بهتر و مشترکی عمل می‌نمایند.

در حال حاضر تمامی قدرت سیاسی در تهران متمرکز است و یکی از معضلات فعلی نیز ناشی از همین تمرکز قدرت در پایتخت است. با مطالعات و بررسیهای دقیق باید توزیع قدرت صورت گیرد. ما دارای ۲۸ استان هستیم و می‌توانیم با تقسیم و توزیع مناسب قدرت اقدام به تمرکززدائی نمائیم و با مورد مطالعه قرار دادن شرایط اقتصادی، جوی و اقلیمی استانها اقدام به کشت و تولید محصول خاص هر استان نمائیم تا با افزایش تولیدات و صادرات کسری بودجه فعلی که با آن دست به گریبانیم را تأمین و از وابستگی به نفت رهایی یابیم.

کمااینکه بازار نفت مخصوصاً در حوزه خلیج‌فارس شاهد نوسانات بوده است که اگر به اتکاء کشور به این ماده خاتمه ندهیم، با توجه به نزول و سقوط ناگهانی قیمت نفت، آینده خطرناکی را پیشرو خواهیم داشت.

امروزه یکی از دلایل پیشرفت غرب نهادینه بودن ساختار سیاسی جوامع است. در آنجا به جای اینکه شخصیت تصمیم‌گیرنده نهائی باشد، نهادهای سیاسی هستند که تصمیم می‌گیرند.

بعنوان مثال گرچه در قانون اساسی آمریکا آمده است که «رئیس جمهور بالاترین قدرت اجرائی جامعه است» ولی با این حساب همانند غولی است که پاهایش در گل فرو نشسته است. پس این قدرت توسط نهادهای جامعه مهار شده و به تنهائی قدرتی به حساب نمی‌آید.

یکی از مسائل و معضلات جهان سوم، نظام پدرسالاری است. مسئولین در این نظامها همواره خودشان را برتر از دیگران دانسته، تصمیمات اخذ شده ناشی از ضرورتها و اولویتها نیست یعنی هیچ تصمیمی بر اساس اولویتها انجام نمی‌دهند پس همانند نظام پدرسالاری که پدر به جای همگی اعضای یک خانواده تصمیم می‌گیرد معمولاً در کشورهای جهان سوم افرد محدود تصمیم‌گیرنده هستند.

کوتاه سخن اینکه باید کاری کنیم که تصمیم‌گیرندگان، نهادهای جامعه باشند. باید کاری کنیم که مسئولین را مردمی‌تر نمائیم یعنی مسئولین مردمی باشند، یعنی انتخاب مردمی باشد. مسئولین تمام نهادها باید منتخب مردم باشند. در اینصورت است که دولت فراغت بیشتری جهت بررسی و نظارت امور دارد که این مهم نیز از طریق شوراها امکان‌پذیر است. درچنین موقعی است که باید شاهد ایرانی آبادتر و شکوفاتر باشیم. امروز نیز با طرح تشکیل شوراهای شهر و روستا که گامی جهت مترقی شدن جامعه و یکی از راهکارهای اساسی جهت پیشرفت جامعه و فائق آمدن بر مشکلات کنونی می‌باشد. همگی باید یاری رسان باشیم و با انتخاب افراد متعهد لایق و کارآمد جهت ادارهٔ امور مملکت قدمی موثر برداریم.

# آیا می‌شود که شهردار، نظر لطفی به ما کنند؟!

● علی سینا محمدپور - گناوه

ما اهالی محلهٔ سادات شهر گناوه مدت ۶ ماه است که چشممان به جهان ماشینهای زباله‌کش و رفتگران شهرداری روشن نشده است و به برکت آن، سراسر کوچه‌های «مال سادات» پوشیده از زباله، کاغذ، تپاله وگرد و خاک گردیده است که به تبع آن، بیماریهای میکروبی، انگلی و ویروسی فراوان شده و باری بر دوش طبقات فقیر و مستمند (که بر خلاف بلد کبیرهٔ تهران که شمال شهری‌هایش از ما بهترند!!؟ هر چه فقیر، روستایی و بیچاره است در ضلع شمالی شهر گناوه که همان مال سادات باشد سکنی گزیده‌اند.) گذاشته و هزینه‌های پزشکی و درمانی آنان را بالا برده است. گهگاهی که به صورت غیررسمی و تلویحی از دست‌اندرکاران و مسئولان جهت حل این مشکل، سؤال می‌شود، می‌گویند که «ماشین برای مال سادات نداریم.»

حال از شهردار محترم خواهشمندیم که نظر لطفی به ما کنند و اگر هفته‌ای نشد لااقل ماهی یکبار از شر مگسها و موشهای مهاجم رهایی بخشند. به امید آن روز

# زنان ساحل منتشر شد

نخستین ماهنامه اختصاصی زنان بوشهر با عنوان «زنان ساحل» با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی زینب عوض‌پور منتشر شد.

در پیش شماره نخست زنان ساحل، مطالبی تحت عنوان عظمت حقوقی و اجتماعی زن، روابط صحیح والدین با فرزندان، زن و مرد در میزان بیهقی، زن در شعر شاعران، بیماریهای شایع زن و ... به چاپ رسیده است.

این ماهنامه در ۲۷ صفحه با قیمت ۱۵۰۰ ریال در هفته پیش در بوشهر منتشر شد.

نسیم جنوب ضمن تبریک، امیدوار است که مجله زنان ساحل بتواند در عمل به رسالت مطبوعاتی خود موفق باشد.

# دردی دیگر از آن همه دردها!

● رمضان امیری

هرگز نخواستم قلم بر کاغذ ببرم و در این هیاهو و قیل وقال که در اطراف است خود را قاطی کنم. گاهی چیزهائی در نشریات می‌خوانم که هزاران جواب دارد و باز با خود می‌گویم سکوت در مقابل این همه هیاهو برای هیچ برنده‌ترین جواب است. ولی این خبر در نشریه نسیم‌جنوب شماره ۲۸ بهمن ماه ۷۷ واقعاً دلم را به درد آورد باز هم سدی از آن همه هزاران سد در راه تئاتر ... این مظلومترین هنر ... هنری که غریب مانده و خواهد ماند تا کدامین دست از غیب برون آید و زیر بال آنرا بگیرد و در این عصر به آن قرب و منزلتی که شایسته و بایسته آن است بدهد خبر این بود: «تئاتر سوغات دریا از شرکت در جشنواره بین‌المللی فجر بازماند.» خبر در ظاهر خیلی ساده بود ... شاید عده‌ای هم به آن توجهی نکرده باشند... حال اگر بجای این خبر چنین اعلام می‌شد: «تیم فوتبال .... از شرکت در مسابقات فوتبال بازماند» چه اتفاقی می‌افتاد چطور همه به تکاپو می‌افتادند و بالاخره با چنگ و دندان هم که شده بود فوتبال را تا آن سر دنیا هم اعزام می‌کردند.

ولی هنر تئاتر در دیار ما غریب است. غریب به تمامی معنی کلمه. چرا چنین باشد؟ مگر همین هنر تئاتر نیست که رهبر عظیم‌الشأن ما درباره آن فرمود: «تئاتر منبر است».

چرا مسئولین هرگز نخواستند اندکی از هم و غم خود را در راه اعتلای این هنر بکار بیاندازند تا این چنین اتفاقی پیش نیاید و عده‌ای از نوجوانان که در اول راه هستند و تمام هم و غم خود را برای پیشبرد این هنر در جامعه‌ای که تهاجم فرهنگی بیداد می‌کند بکار برده و به آن درجه‌ای می‌رسند که به جشنواره بین‌المللی فجر راه پیدا می‌کنند که این آرزوی تمامی گروههای کشوری است ولی به بهانه نداشتن پول برای اعزام این عزیزان این چنین بی‌تفاوت از کنار قضیه می‌گذرند. آیا پول برای آن همه هزینه‌هایی که می‌شود و خواهد شد هست ولی برای اعزام گروهی که حتی می‌شد با یک دستگاه مینی‌بوس هم آنان را اعزام کرد نبود؟

من خود یک درد کشیده این هنر هستم. میدانم اکنون در دل این جوانان چیست و چه می‌گذرد؟ هیچ بهانه و توجیهی با رفتن این عزیزان قابل قبول نیست که این چنین راحت از آن گذشت.

با رفتن این عزیزان به این جشنواره دو امتیاز برای آنان بود یکی اینکه آنان خود را در این جشنواره محک می‌زدند ودوم اینکه با کوله‌باری از تجربه باز می‌گشتند و خود را برای کار بعدی آماده میکردند ولی افسوس که چه راحت این امتیاز را یکی دیگر از استانها قاپید و به جای این گروه همیشه محروم، راهی جشنواره شد. و باز بوشهر ماند و با هزاران موانع در راه اعتلای این هنر.

در پایان از مسئولان محترم استان، استاندار محترم و هنرمند و هنر دوست استان، شهردار محترم، مسئولین ادارات و شرکتها که به هر نحوی از انحاء که می توانند هنرمندان این استان را یاری دهند و نگذارند حق قانونی آنان این چنین به خاطر اندکی پول ازبین برود.

# انبار عجیب و غریب ادارهٔ بندر وکشتیرانی بوشهر

● مهدی خنسیری

اگر در این فصل به انبار کالاهای تجاری کوثر (برشن مارین) سر بزنید با تعجب خواهید دید که کالاهای موجود در انبار زیر چندین برزنت بزرگ پنهان شده است. این کاری است بی‌سابقه در امر انبارداری مسقف. ولی علت از آن ناشی می‌شود که انباری با هیبت و بلعیدن هزینه‌ای سرسام‌آور به خاطر بی‌مبالاتی متولیان و پیمانکار مربوطه فاقد استاندارد لازم بوده و روزهای بارانی کالاهای تجاری عمدتاً کالاهای بازارچه مشترک مرزی می‌باشد، از گزند مصون نیست. مقصر کیست؟ مسئولین اداره بند؟ پیمانکار؟ مهندس ناظر؟ به هرحال کاری است که شده و طبق معمول در جامعه ما قرار نیست کسی بر اثر اشتباه یا انجام عمل غیراستاندارد مورد مؤاخذه قرار گیرد ولی جا دارد از این به بعد جلو اشتباهات گرفته شود و چاره اساسی نیز برای مردمی که کالا و سرمایه و هستی خود را با اطمینان به دست اداره بندر می‌سپرند بشود.


نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده

مدیراجرائی: مهندس محمد مهدی بنجاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری - تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس: بوشهر، روبروی استانداری

دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹

● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

● مطالب فرستاده شده باز گردانده نمی‌شود

● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.